

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

پریزاد کاوسی خسرقی

دانشجوی دکتری، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

pa.kavoosi94@gmail.com

عبدالرضاجوان جعفری بجنوردی (نویسنده مسئول)، استاد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

فردوسی مشهد، مشهد، ایران. javan-j@um.ac.ir

سیدمهدی سیدزاده ثانی، استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

ایران. seidzadeh@um.ac.ir

حسین غلامی دون، استاد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Gholami1970@yahoo.com

این مقاله در دوره ۱۲ شماره ۲۳ (بهار و تابستان ۱۴۰۳) نشریه پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی منتشر خواهد شد.

ناهمسویی‌های قانونی با سیاست فردی‌سازی الگوی رفاه

در پاسخ‌گذاری جرایم اطفال ونوجوانان

چکیده

مبنای اصلی افتراقی‌کردن پاسخ‌گذاری در جرایم اطفال ونوجوانان، تعهد به الگوی رفاه است. این الگو با نگاهی غایت‌گرایانه و متأثر از راهبرد حقوق بشرمدار، درصدد به‌سازی وضعیت رفتاری و شخصیتی اطفال ونوجوانان بزهکار است. یکی از ابعاد اصلی پذیرش الگوی رفاهمدار، توجه به سیاست‌فردی‌سازی پاسخ‌ها است. این اصل به معنای تناسب پاسخ با شخصیت بزهکار است. فردی‌سازی پاسخ‌ها از طریق اصالت‌زدایی از متغیرهای غیربالیینی نظیر شدت و ماهیت جرم و پذیرش رویکردتعدیل‌یافته کودک‌مدار تحقق خواهد یافت. از سوی دیگر، تنوع‌مندی پاسخ‌ها، رجحان پاسخ‌گذاری جایگزینی حبس‌زدا بر پاسخ‌گذاری کاهنده حبس‌زا و غلبه رویکرد جایگزین‌مدار نوین بر سنتی از مهم‌ترین ابعاد توجه به فردی‌سازی است. روش این تحقیق مبتنی بر تحلیل محتوای قانون مجازات اسلامی و رویه قضایی است. یافته‌های پژوهش نشانگر عدم التزام به الگوی رفاه از حیث فردی‌سازی در تعیین پاسخ است؛ یعنی حسب مورد در جرایم تعزیری، الگوی جایگزینی حبس‌زدا و در جرایم حدی و قصاصی، الگوی عدالت به عنوان الگوی غالب کیفرگذاری به جرایم اطفال ونوجوانان مورد پذیرش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اطفال ونوجوانان، ناهم‌سویی، الگوی رفاه، فردی‌سازی، پاسخ‌گذاری

یکی از ابعاد حائز اهمیت در نگرش افتراقی به بزهکاری اطفال ونوجوانان، چگونگی تعیین پاسخ برای این گروه از بزهکاران است. چگونگی پاسخ‌گذاری در حقوق کیفری اطفال ونوجوانان، همواره باعث تردید قانونگذاران ملی در انتخاب یک رویکرد مناسب بوده و موجب شکل‌گیری الگوهای متفاوت شده است.^۱ از جمله اصلی‌ترین این الگوها، "الگوی عدالت"^۲ و "الگوی رفاه"^۳ است. الگوی عدالت، اطفال ونوجوانان را به عنوان یکی از منابع خطر تلقی کرده و با مفروض دانستن آزادی اراده، بر اجرای کیفرهای سخت‌گیرانه، تضمین ایدئولوژی امنیت‌گرا و مادی شدن جرایم در تعیین کیفر تأکید می‌نماید. در مقابل، الگوی رفاه با تأکید بر حق بر بازپروری، بزهکاری را محصول شرایط نامساعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تلقی کرده و با پذیرش جبرگرایی جنایی، بر تناسب پاسخ با شخصیت بزهکار تأکید دارد.^۴

الگوی رفاه در اسناد بین‌المللی به‌عنوان رویکرد غالب در تعیین پاسخ شناخته شده است. این الگو در پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ به عنوان مهم‌ترین سند هنجارساز در زمینه حقوق کودکان اشاره شده است. همچنین، نتایج پژوهش‌های علمی نشانگر اثربخشی الگوی رفاه در مقایسه با الگوی عدالت از منظر جلوگیری از تکرار جرایم این افراد است.^۵ همین امر بر تغییر کانون تفکر قانونگذاران کشورهای مختلف به سوی رویکرد رفاه مؤثر بوده است. گرچه این الگو به عنوان یک رویکرد حقوق بشرمدار و اثربخش در عدم تکرار جرم شناخته شده است، اما پذیرش آن، مستلزم توجه به ابعاد و عناصر گوناگون حقوقی - بالینی است.

ضرورت فردی‌سازی پاسخ‌ها، رفتار درمان‌مدار با اطفال ونوجوانان بزهکار، تخصیص کنش‌گران قضایی و پیراقضایی در فرآیند پاسخ‌گذاری و پذیرش رویکرد تلفیقی با تأمین منافع متهم، بزه‌دیده و جامعه از عمده‌ترین ابعاد حقوقی - بالینی التزام به الگوی رفاه است. این ابعاد و عناصر از نگاه موریس گوسن^۶، جرم‌شناس کانادایی، به اصول گوسن شناخته شده^۷ و وجود دو مکانیزم مهم را به ما می‌شناساند: مکانیزم‌های حقوقی و بالینی. توجه به مکانیزم حقوقی الگوی رفاه^۸ که در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد، مستلزم تضمین فردی‌سازی پاسخ‌ها به عنوان رکن اصلی است.

پذیرش اصل فردی‌سازی و تعیین پاسخ متناسب با شخصیت مستلزم اصالت‌زدایی از شاخص‌های قانونی نظیر شدت و ماهیت جرم و توجه به تنوع‌مندی پاسخ‌ها است. از سوی دیگر رعایت این اصل مستلزم آن است که

^۱ - غلامی، حسین، «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال»، *آموزه‌های حقوق کیفری* ۱۰(۶) (۱۳۹۲)، ۹۰.

^۲ - Justice Model

^۳ - Welfare Model

^۴ - غلامی، پیشین، ۹۲-۹۵.

- Ward, Tony & Maruna, Shadd, *Rehabilitation, beyond the risk paradigm*, Routledge Taylor & Francis Group, London and New York, (2007):110.

^۵ - خواجه‌نوری، یاسمن، «سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار؛ جلوه‌ها، چالش‌ها و آثار»، *مطالعات پیشگیری از*

جرم ۲(۴) (۱۳۸۶)، ۱۳۲.

- Mears, D. P. et al. The "true" juvenile offender: Age effects and juvenile court sanctioning, *Criminology*, 52(2) (2014):190.

^۶ - Cusson, Maurice

^۷ - نجفی‌ابرن‌آبادی، علی حسین، *تقریرات جرم‌شناسی*، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۷)، ۳۴۲۰.

^۸ - دیگر مکانیزم پیاده‌سازی الگوی رفاه، پذیرش رویکرد بالینی در تعیین پاسخ است که در پژوهش دیگری به آن پرداخته شده است.

"پاسخ‌های جایگزین حبس" به عنوان ستون فقرات فردی‌سازی در قانون محوریت داشته و "رویکرد کمینه‌ای به پاسخ‌سالب آزادی" پذیرفته شود. با توجه به ابعاد فردی‌سازی مزبور در الگوی رفاه، این پرسش مطرح می‌شود که اجرای پاسخ‌های کیفی با چه ابهامات قانونی مواجه است؟ به بیان دیگر، نارسایی‌ها و ناهم‌سویی‌های نظام پاسخ‌گذاری با الگوی رفاه شامل چه مواردی است؟ جهت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها از روش تحلیل محتوای قوانین کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین این مفاهیم سعی در استنباط و آشکار کردن مضامین آشکار و نهان در اسناد، داده‌های متنی و هر نوع پیام‌های ارتباطی متنی دارد. این روش، با الگوها و مضامین نهان متون سر و کار داشته و با استفاده از واحدهای تحلیل نظیر کلمه، مضمون، عنوان و غیره و شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روابط میان آنها در صدد شناخت مضمون آشکار یا پنهان یک متن (قانون) است.^۹ گرچه هدف این تحقیق، مطالعه ناهم‌سویی‌ها و تعارضات تقنینی با اصل فردی‌سازی در الگوی رفاه است، اما باید خاطر نشان کرد با رجوع به متن و محتوای آرای قضایی است که می‌توان نقاط ضعف و قوت فرآیند قانونگذاری را شناسایی کرد. به بیان دیگر، نتیجه فرآیند قانونگذاری در رویه قضایی عینیت می‌یابد. به بیان دیگر، سیاست‌های قضایی متأثر از نحوه قانونگذاری است و شناسایی و پذیرش الگوی رفاه‌مدار در مرحله پاسخ‌دهی منوط به توجه به این الگو در مرحله قانونگذاری است.

لازم به ذکر است که یکی از بنیادی‌ترین الگوهایی که مبنای تصمیم‌گیری دادرسی است، الگوی قانونی است. الگوی قانونی مبین این است که تصمیم‌های قضایی مبتنی بر حقایق پرونده و حکم قانون است.^{۱۰} بر اساس این الگو، دادرسی هنگام پاسخ‌دهی قانون را مدنظر قرار داده و عمده‌ترین پاسخ‌چرایی تصمیم‌های دادرسی، نحوه قانونگذاری است. بر این اساس، در راستای بررسی ناهم‌سویی‌های قانون مجازات اسلامی با سیاست فردی‌سازی پاسخ‌ها و تأثیر پاسخ‌گذاری در مرحله صدور حکم، ناگزیر از توجه به رویه قضایی بوده و جهت تأیید نتایج حاصل از تحلیل محتوای قانون، به آرای قضایی استناد شده است. آرای مورد استفاده در این تحقیق، از طریق مراجعه حضوری به شعب بدوی و تجدیدنظر محاکم استان آذربایجان شرقی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ گردآوری شده است. تعداد آراء در دسترس نگارنده، ۲۹۳ دادنامه محکومیت از شعب این استان است و جهت تأیید نتایج برآمده از محتوای قانون به دادنامه‌های محکومیت صادره از شعب استان اشاره شده است.^{۱۱} در تحقیق پیش‌رو با تأکید بر تحلیل محتوای ضمانت‌اجراهای مندرج در فصل دهم ق.م.ا. ۱۳۹۲ و رویه قضایی میزان التزام به سیاست فردی‌سازی الگوی رفاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش در سه بخش ارائه می‌گردد. در بخش نخست، به مفهوم فردی‌سازی در الگوی رفاه اشاره می‌گردد. سپس، ناهم‌سویی‌های تعیین پاسخ با سیاست فردی‌سازی الگوی رفاه مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً، با توجه به عدم تأکید بر عنصر فردی‌سازی الگوی رفاه به عنوان رویکرد غالب، الگوی حاکم بر پاسخ‌گذاری جرایم اطفال و نوجوانان حسب نوع جرم مطالعه خواهد شد.

۱- فردی‌سازی پاسخ‌ها در الگوی رفاه

^۹ - مؤمنی‌راد، اکبر و همکاران، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، *اندازه‌گیری تربیتی* ۱۴(۴)(۱۳۹۲)، ۱۹۲.

^{۱۰} - منصورآبادی، عباس و همکاران، «الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در آمریکا و ایران»، پژوهش حقوق کیفری ۵(۱۸)(۱۳۹۶)، ۱۴۷.

^{۱۱} - شعب ارجاعی عبارتند از شعب ۱۲۰ دادگاه کیفری دو تبریز، ۱۰۳ دادگاه کیفری دو تبریز، ۲ دادگاه تجدیدنظر استان، ۱۰۱ دادگاه کیفری دو اهر، ۱۰۲ دادگاه کیفری دو بناب، ۱۰۲ دادگاه کیفری دو میانه، ۱۰۴ دادگاه کیفری دو مرنده، ۱ دادگاه کیفری یک تبریز و ۱ دادگاه کیفری یک میانه.

فردی‌سازی پاسخ‌ها که درنگاهی کلی به تعدیل اصل قانونی‌بودن مجازات‌ها و اصل تساوی مجازات‌ها می‌انجامد، به صورت راهبردی و علمی، نخستین بار در آموزه‌های تئوری دفاع اجتماعی نوین تجلی یافت.^{۱۲} فردی‌کردن پاسخ‌ها به این معنا است که پاسخ باید متناسب با خصوصیات بزهکار و شرایطی که در آن مرتکب جرم شده است، صادر شود تا به هدفش که اصلاح و بازپروری است، نائل گردد. به بیان دیگر، دادرسی قادر باشد با توجه به وضعیت فردی - محیطی برای بزهکاران مرتکب جرم مشابه، پاسخ‌های مختلف تعیین نماید.

از ابعاد اصلی پذیرش الگوی رفاه و تحقق سیاست اصلاح و درمان، توجه به فردی‌سازی در تعیین پاسخ است. به بیان دیگر، زمانی می‌توان به تضمین مکانیزم حقوقی الگوی رفاه امید داشت که بیش از "اصل تناسب بین جرم و مجازات"، از "اصل تناسب بین مجرم و مجازات"^{۱۳} پیروی کنیم. توجه به این سیاست به عنوان رکن بنیادین پاسخ-گذاری رفاه‌مدار در ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ مورد تصریح قرار گرفته است. در این ماده به «تأمین مقررات راهنمایی، نظارت، تعلیق، برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای در راستای تضمین رفتار متناسب با رفاه و شرایط و جرم ارتكابی آنها» تأکید شده است.

نکته حائز اهمیت در اعمال این سیاست، توجه به شاخص‌های فراحقوقی - بالینی است. به بیانی دیگر، توجه به شاخص‌های بالینی نظیر سن، وضعیت فردی - محیطی و اوصاف شخصیتی - رفتاری مجرم در تعیین پاسخ که از طریق تشکیل پرونده شخصیت محقق می‌شود از ابعاد فردی‌سازی پاسخ‌ها است.

از سوی دیگر، لازمه فردی‌سازی، طیفی‌سازی پاسخ‌ها است. رویکرد رفاه‌گرایانه به عدالت کیفری اطفال ونوجوانان موجب تنوع یا نامعین بودن پاسخ‌ها و به اصطلاح طیفی شدن پاسخ می‌شود.^{۱۴} به موجب این اصل، آنچه حائز اهمیت است، پیش‌بینی پاسخ‌های متنوع غیرکیفری - کیفری از سوی قانونگذار است. همین امر باعث گزینش پاسخی فردی‌ساز شده و متناسب با شخصیت متهم در مرحله تصمیم‌گیری است. افزون بر این، فردی‌کردن کیفر در راستای تناسب پاسخ با شخصیت بزهکار مستلزم "پذیرش رویکرد کثرت‌گرا به پاسخ‌های جایگزین حبس" و "رویکرد تقلیل‌گرا به پاسخ‌های سالب آزادی" است. بر این اساس، لازمه پذیرش رویکرد کودک‌مدار در قلمرو پاسخ‌گذاری جرایم این گروه سنی، تأکید بر شاخص‌های بالینی، تنوع‌مندی پاسخ‌ها، توجه به رویکرد تعدیل‌یافته جایگزین حبس و استفاده کمینه‌ای از رویکرد کاهنده است.

۲- ناهمسویی‌های قانونی با فردی‌سازی الگوی رفاه

فصل دهم ق.م.ا ۱۳۹۲ در راستای پذیرش سیاست فردی‌سازی پاسخ‌ها در جرایم اطفال ونوجوانان با ناهمسویی‌های گوناگونی مواجه است. این ناهمسویی‌ها در سه محور "پذیرش شاخص‌های قانونی در پاسخ‌گذاری، طیفی‌زدایی و توجه ناکافی به پاسخ‌های جایگزین حبس" قابل مطالعه است.

۱-۲- تأکید بر شاخص‌های قانونی

^{۱۲} -نجفی‌توانا، علی، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»، خانواده پژوهی ۵(۱۸)(۱۳۸۸)، ۲۹۵.

^{۱۳} - Principle of individualization of punishment

^{۱۴} - Green, D. Comparing Penal Cultures: Child-on-Child Homicide in England and Norway, in: Crime, punishment, and politic in comparative perspective, the university of Chicago press, (2007):604.

هدف از فردی‌سازی پاسخ‌ها در مسیر توجه به فاعل عمل مجرمانه، تعیین پاسخی متناسب با شخصیت متهم است.^{۱۵} در فردی‌سازی، تعیین پاسخ بایستی متناسب با افزایش سن، توسعه فهم مسائل اخلاقی و اجتماعی و رشد توانایی‌های شناختی باشد نه براساس شاخص‌های قانونی محض.^{۱۶} آنچه در تأمین فردی‌سازی پاسخ‌ها حائز اهمیت است، اصالت‌زدایی از شاخص‌های قانونی یعنی شدت و ماهیت جرم و اصالت‌بخشی به شاخص‌های بالینی نظیر سن، وضعیت فردی و محیطی و اوصاف شخصیتی و رفتاری در فرآیند تعیین پاسخ است.

به بیانی دیگر، توجه به حقوق بازپروری اطفال ونوجوانان بزهکار اقتضا دارد شاخص‌های فراحقوقی و توانبخشی واجد نقش اصلی در شکل‌دهی به نظام تعیین کیفر باشند. شاخص‌های قانونی هرچند بیانگر جلوه بیرونی حالت خطرناک است اما توجهی به علل پیدایش این حالت ندارد. از این رو، جهت ارزیابی دقیق حالت خطرناک باید به عوامل تکوین حالت خطرناک توجه نمود و عوامل جرم‌زا نظیر مشکلات زیستی - روانی را از شاخص‌های حالت خطرناک تفکیک نمود.^{۱۷} توجه به عامل سن، وضعیت روانی و به طور کلی شاخص‌های زیستی - روانی و اجتماعی منجر به حصول نتیجه موردنظر یعنی "تناسب بین مجرم و مجازات" می‌شود. تحقق رویکرد رفاه‌گرایانه منوط به تعیین پاسخ فارغ از شدت و ماهیت جرم ارتكابی است. با این حال، موارد گوناگونی از توجه ناکافی به این سیاست در "فصل دهم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲" مشاهده می‌شود. این موارد نشانگر توجه قانونگذار به شاخص‌های قانونی - غیر بالینی است.

۱-۱-۲- توجه به شدت جرم

با نگاهی به ق.م.ا ۱۳۹۲ مصادیقی از تخدیش فردی‌سازی با توجه به معیار شدت جرم ملاحظه می‌گردد:

نخست، رویکرد تدریجی قانونگذار در ماده ۸۹ و بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا در زمینه افراد ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی و ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است که تداعی‌گر پذیرش "اصل تناسب بین جرم و مجازات" در پاسخ‌گذاری است. توضیح آنکه طبق ماده ۸۹ ق.م.ا معیار میزان کیفر برای افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله بر مبنای "شدت جرم تعزیری" و نه توسعه شخصیتی تعیین شده است. همچنین، نوع پاسخ در جرایم تعزیری از سوی افراد ۱۲ تا ۱۵ سال نه دایر مدار رشد شخصیتی و رفتاری بلکه درگرو شدت جرم ارتكابی است.^{۱۸} رویکرد تدریجی قانونگذار، گرچه در راستای نگاهی رفاه‌گرایانه و تعیین تدبیر متناسب با شخصیت است، اما بیش از معیار سن، "شدت جرم" ملاک قرار گرفته است.

تأکید بر "شدت جرم" نشانگر رجحان "اصل تناسب بین جرم و مجازات" بر "اصل تناسب بین مجرم و مجازات" است. حال آنکه، تعهد به الگوی رفاه مستلزم رجحان "اصل تناسب بین مجرم و مجازات" بر "اصل تناسب بین جرم و

^{۱۵}- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، (تهران: جنگل، ۱۳۹۱)، ۹۷.

^{۱۶}- Dunkel, F, Juvenile Justice Systems in Europe-Reform developments between Justice, welfare and 'new punitiveness', *Criminological studies*. 1(1)(2014):42.

^{۱۷}- برای توضیح بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشین، ۲۴۴۳-۲۴۴۰.

^{۱۸}- این گروه سنی در صورت ارتكاب جرایم درجه شش تا هشت می‌توانند به تصمیم‌های "تسلیمی" یا "تویخی" بندهای (الف) تا (ت) ماده ۸۸ ق.م.ا محکوم شوند ولی در جرایم درجه یک تا پنج مسئولیت شدیدتری دارند و مشمول اقدام تأدیبی (بند ث ماده ۸۸) قرار می‌گیرند.

مجازات" است؛ هدفی که در صورت استفاده گسترده از پاسخ‌های جایگزین حبس، فارغ از شدت جرم ارتكابی محقق می‌شود.^{۱۹}

با این حال، بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا، به نظر می‌رسد حتی نتوان با اطمینان از پذیرش "اصل تناسب بین جرم و مجازات" سخن گفت. بر اساس "اصل تناسب بین جرم و مجازات" فرض بر این است که امکان استفاده از دامنه پاسخ‌های جایگزین در جرایم شدیدتر محدود و در جرایم خفیف‌تر توسعه می‌یابد. بر اساس اصل مذکور به موازات شدت جرم، به جهت گستره محدود پاسخ‌های جایگزین، با شدت پاسخ مواجهیم. به بیانی دیگر، می‌توان گفت در جرایم خفیف‌تر، به جهت اینکه قلمرو اعمال قاعده حداقلی بودن حقوق کیفری، وسیع‌تر و توسل به طیف وسیعی از پاسخ‌ها امکان‌پذیر است، پاسخ هم خفیف‌تر است.^{۲۰} اما بر اساس تبصره ۲ این ماده، اعمال دو کیفر حبس خانگی و حبس پایان‌هفته‌ای در جرایم شدیدتر، امکان‌پذیر و درجایم خفیف‌تر (درجات شش تا هشت) ناممکن است. این رویکرد قانونگذار از چند جهت قابل تأمل است: نخست آنکه با نگاهی بر حقوق کشورهای پیشگام در اعمال پاسخ-های حبس خانگی و حبس پایان هفته‌ای، استفاده از این دو کیفر، اصالتاً در جرایم سبک کمتر از دو ماه یا سه ماه قابل اعمال بوده و تعیین این پاسخ‌ها به عنوان یک مجازات برای جرایم خفیف، بینشی عادلانه تلقی شده است.^{۲۱}

دوم آنکه، به ظاهر قانونگذار بر این اعتقاد بوده که جزای نقدی مقرر در بندهای (ت) و (ث) ماده ۸۹ ق.م.ا نوعاً پاسخی خفیف‌تر از تدابیر تبصره ۲ این ماده (حبس خانگی و حبس پایان هفته‌ای) است؛ در حالی که جزای نقدی به عنوان یک پاسخ بازدارنده، فاقد اثر بازپرورانه و نظارت‌مدارانه است. در مقابل، حبس خانگی با امکان برگشت به محیط خانواده و توجه به رویکرد مشارکتی - نظارتی، در راستای تقلیل مداری پاسخ‌های سرکوبگر در قانون پیش-بینی شده است. نکته جالب آنکه، در ق.م.ا ۱۳۷۰ این امکان برای دادرسان وجود داشت که در جرایم موضوع بندهای ت و ث ماده ۸۹، بتوانند تدابیر موضوع تبصره ۲ را انتخاب نمایند.^{۲۲} اما با توجه به رویکرد جدید قانونگذار، در تعزیرات درجات شش تا هشت تنها صدور پاسخ‌های ماده ۸۹ به ویژه جزای نقدی امکان‌پذیر است.^{۲۳}

^{۱۹}- امکان اعمال پاسخ‌های جایگزین حبس به طور گسترده، موجب پذیرش فردی سازی پاسخ‌ها در ابعاد وسیع می‌شود. از همین رو، پاسخ‌های جایگزین به عنوان "پاسخ‌های تفریدساز" شناخته می‌شوند.

^{۲۰}- Tonry, Michael, Proportionality, Parsimony and interchangeability of Punishment, in: Penal theory and practice, Tradition and Innovation in Criminal, (2013):59.

^{۲۱}- جدول ۱-۱ جدول اصل تناسب بین جرم و مجازات در مورد گروه سنی کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی پژوهش‌های اخلاقی ۱۰(۲)(۱۳۹۸)، ۵۵.

^{۲۲}- پرونده کلاسه ۳۳۱/۲۱۰۲/۷۹ و ۱۴۱/۲۱۹۲/۷۹ از شعبه ۲۱۰۱ دادگاه اطفال تهران به ترتیب در جرایم ایراد ضرب و جرح و ولگردی.

^{۲۳}- شماره رأی ۱۴۰۳۰۳۹۰۰۴۲۱۶۹۴۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ شعبه ۱۰۲ کیفری دو تبریز و شماره رأی نهایی ۱۳۰۱۲۴۱/۱۴۰۳۰۳۹۰۰۱۳۰ صادره از شعبه ۱۰۱ کیفری دو اهر مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ به اتهام ایراد ضرب و جرح که بنابه نص صریح تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا برای دادرسان اطفال و نوجوانان اختیار گزینش پاسخ‌های این تبصره وجود ندارد.

پاسخ‌های قضایی	تناسب بین جرم و مجازات	بر
معافیت از کیفر	تعزیرات درجات یک تا هشت	اسا
حبس خانگی و حبس پایان هفته‌ای	تعزیرات درجه یک تا هشت	س
جزای نقدی	تعزیرات درجه یک تا هشت	جداو
خدمات عمومی رایگان	تعزیرات درجه یک تا هشت	ل
نظام نیمه آزادی و نظارت الکترونیکی و آزادی مشروط	تعزیرات درجه شش تا هشت ^{۲۴}	(۱-)

(۱) و

(۱-۲) رویکرد قانونگذار، پذیرش اصل تناسب بین جرم و مجازات به عنوان رویکرد غالب بوده و تنها در برخی درجات اختیاراتی به دادرس دادگاه جهت رعایت اصل تناسب بین مجرم و مجازات اعطا شده است. قانونگذار در این موارد، اصل اولیه را اصل تناسب بین جرم و مجازات تلقی کرده و از این رو اختیاراتی به دادرس برای استفاده از پاسخ‌های تقریدساز با هدف تأکید بر شخصیت بزهکار تفویض نکرده است. در این دو جدول، به مهم‌ترین موارد عدم تفویض اختیار به دادرس (رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات) اشاره می‌گردد. برای مثال، در مورد خدمات عمومی رایگان^{۲۵} در تعزیرات درجه یک تا چهار، اصل تناسب بین جرم و مجازات بر اصل تناسب بین مجرم و مجازات برتری داشته و در این موارد مقام تصمیم‌ساز حق استفاده از این نهاد را ندارد. به بیانی دیگر، این موارد با تأکید بر شدت جرم ناقض اصل تناسب بین مجرم و مجازات است. جدول (۱-۱) در مورد گروه سنی کمتر از ۱۵ سال^{۲۶} و جدول (۱-۲) در مورد بزهکاران ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است.

جدول ۱-۲ جدول اصل تناسب بین جرم و مجازات در مورد گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی		براسا
پاسخ‌های قضایی - کیفری	تناسب بین جرم و مجازات	س
نظام نیمه‌آزادی	تعزیرات درجه یک و هشت	جدول
نظارت الکترونیکی	تعزیر درجه یک	(۱-)
معافیت از مجازات	تعزیرات درجات یک تا شش	(۱)،
خدمات عمومی رایگان	تعزیرات درجه یک تا چهار	در
حبس خانگی و حبس پایان هفته‌ای	تعزیرات درجات شش تا هشت	تعزیرا
جزای نقدی	تعزیرات درجه یک تا چهار	ت

درجات یک تا هشت، اعمال پاسخ‌های جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان، پاسخ‌های تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا و معافیت از کیفر در مورد افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی امکان‌پذیر نیست. زیرا سه پاسخ نخست مختص گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است. معافیت از کیفر نیز به عنوان یک پاسخ جایگزین کیفر تنها در صورت

^{۲۴} - نهادهای، آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی بنابر تصریح مواد ۵۷، ۵۸ و ۶۲ ق.م.ا تنها در صورت محکومیت به حبس قابل اعمال است و در مورد درجات شش تا هشت ارتكابی از سوی افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی بنابر صراحت بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا تنها می‌توان از پاسخ‌های توبیخی غیر کیفری استفاده نمود. بر این اساس، تنها در درجات یک تا پنج می‌توان از پاسخ‌های موضوع مواد مذکور استفاده کرد.

^{۲۵} - مختص گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی

^{۲۶} - تدابیر موضوع بندهای (الف) تا (ت) ماده ۸۸ ق.م.ا به جهت ماهیت غیر کیفری و خروج موضوعی از مباحث این قسمت در جدول ذکر نشده است. پاسخ‌های این ماده در جدول (۳) اشاره شده است.

محکومیت به مجازات درجات هفت و هشت قابل صدور است. این درحالی است که برای افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی در صورت ارتکاب این درجات جرم تنها می‌توان از پاسخ‌های توییحی یا تسلیمی موضوع ماده ۸۸ق.م.ا استفاده نمود.

همچنین، با توجه به جدول (۲-۱)، رویکرد غالب قانونگذار، پذیرش "تناسب بین جرم و مجازات" به عنوان اصل اولیه بوده و به دادرسان، اختیار اعمال پاسخ‌های فردی‌ساز در مرحله پاسخ‌دهی تفویض نشده است. زیرا در تعزیرات درجات یک تا چهار اعمال دو پاسخ جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان و در تعزیرات درجات یک تا شش معافیت از کیفر امکان‌پذیر نیست.

در مقابل، بر اساس جداول (۲-۱) و (۲-۲)، در برخی درجات جرم قانونگذار اختیار صدور رأی با توجه به شخصیت بزهکاران را به دادرسان اطفال تفویض کرده است. برای نمونه در مورد نهاد معافیت از مجازات در تعزیرات درجات هفت و هشت ارتكابی از سوی گروه ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی، اصل تناسب بین مجرم و مجازات بر اصل تناسب بین جرم و مجازات رجحان دارد. در این موارد، بر اصل تناسب بین مجرم و مجازات تأکید شده است. جدول (۲-۱) برای گروه سنی کمتر از ۱۵ سال و جدول (۲-۲) مختص گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است.

جدول (۲-۱) اصل تناسب بین مجرم و مجازات بر مبنای الگوی رفاه درخصوص گروه سنی کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی		
نوع پاسخ‌ها	اصل فردی‌سازی	
نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی	تعزیرات درجات یک تا پنج	
تعویق صدور حکم یا تعلیق مجازات	تعزیرات درجات یک تا پنج	
تقلیل مجازات	تعزیرات درجات یک تا پنج	
تخفیف پاسخ	تعزیرات درجات شش تا هشت (۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی)	تبدیل پاسخ

جدول (۲-۲) اصل تناسب بین مجرم و مجازات بر مبنای الگوی رفاه درخصوص گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی		
نوع پاسخ	پاسخ‌های قضایی - کیفری	اصل فردی‌سازی
پاسخ‌های تفریدسازِ مطلق	تعلیق مجازات	تمامی جرایم تعزیری
	تعویق محکومیت	تمامی جرایم تعزیری
	تخفیف مجازات	تمامی جرایم تعزیری
پاسخ‌های تفریدسازِ نسبی	جزای نقدی	تعزیرات درجه پنج تا هشت
	خدمات عمومی رایگان	تعزیرات درجه پنج و شش
	نظام نیمه‌آزادی	تعزیرات درجه دو تا هفت
	نظارت الکترونیکی ^{۲۷}	تعزیرات درجه دو تا هشت
	معافیت از مجازات	تعزیرات درجه هفت و هشت

^{۲۷} - البته اعمال دو نهاد نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی در مورد تعزیرات درجه دو تا چهار در صورت گذراندن یک چهارم مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت امکان‌پذیر است.

مطابق جدول (۱-۲) در جرایم تعزیری درجات بالاتر امکان تعویق محکومیت، تعلیق مجازات و نیز تخفیف پاسخ (تقلیل) وجود دارد. گرچه در این ماده با اندکی تسامح ممکن است بتوان افراد موضوع ماده ۸۸ ق.م.ا را نیز مشمول تعویق محکومیت یا تعلیق مجازات قرار داد، اما نکته قابل تأمل عدم امکان قانونی تسری پاسخ‌های موضوع مواد ۸۹ به این افراد است.

نتایج حاصل از مشاهده دادنامه‌های محکومیت کیفری نشانگر تمایل دادرسان به تعویق و تعلیق ساده است. به عبارتی دادرسان از تعیین دستورهای نظارتی و درمانی در تعیین تعویق محکومیت با تعلیق کیفر پرهیز می‌کنند. در مقابل، لازمه تعیین تدابیر قضایی موضوع تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا توجه به ابعاد مراقبتی و نظارتی این واکنش‌ها است. ماهیت مراقبتی - نظارتی این تدابیر به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر این گونه پاسخ‌ها تلقی شده و پذیرش پاسخ‌های موضوع ماده ۹۴ در کنار عدم امکان تسری پاسخ‌های تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا به افراد کمتر از ۱۵ سال مسأله‌ای قابل نقد است.

از سوی دیگر در مورد تخفیف پاسخ‌ها^{۲۸} به صراحت قانونی تبدیل پاسخ مختص اقدامات تأمینی و تربیتی و تقلیل ویژه مجازات است. یعنی در صورت پذیرش ماهیت کیفری پاسخ موضوع بند(ث) ماده ۸۸ ق.م.ا جهت تخفیف تصمیم قضایی تنها می‌توان نوع تقلیل یافته این پاسخ را پذیرفت.^{۲۹} درحالی که ضرورت استفاده حداقلی از پاسخ‌های سالب آزادی اقتضا می‌نماید جهت رعایت منافع عالی به بتوان با احراز شرایط تخفیف، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت موضوع ماده ۸۸ ق.م.ا را به اقدام دیگری تبدیل نمود. نحوه قانونگذاری به صورت تفکیک تبدیل و تقلیل پاسخ‌ها و عدم پذیرش تبدیل پاسخ به عنوان یکی از مصادیق فردی‌سازی در مورد بند(ث) ماده مذکور با فلسفه کیفرگذاری رفاه‌مدار ناسارگار است.

بر اساس جدول (۲-۲)، پاسخ‌های تفریدساز مختص افراد ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی را می‌توان به دو نوع "مطلق" و "نسبی" تقسیم نمود. در نوع اول، استفاده از پاسخ در تمامی جرایم فارغ از شدت جرم امکان‌پذیر است. در نوع دوم، از پاسخ‌های کیفری تنها در درجات پایین‌تر جرم می‌توان استفاده کرد. با توجه به پاسخ‌های تفریدساز نسبی "موضوع (مواد ۳۹، ۵۷ و ۶۲ و ۸۹ ق.م.ا)" اصل تناسب بین جرم و مجازات "بر اصل تناسب بین مجرم و مجازات" رجحان دارد. در این پاسخ‌ها، مقام قضایی اختیار استفاده از این نهادها در جرایم با درجات بالاتر را ندارد. در مقابل، در مورد پاسخ‌های تفریدساز مطلق "موضوع مواد ۹۳ و ۹۴ ق.م.ا"، اصل تناسب بین مجرم و مجازات "بر اصل تناسب بین جرم و مجازات" مقدم است. در این کیفرها، فارغ از شدت جرم، اعمال پاسخ‌های تفرید قضایی (تعلیق مجازات، تعویق محکومیت و تخفیف مجازات) به تمامی جرایم تعزیری تسری داده شده است. این رویکرد دوگانه خود، مانع از پذیرش کامل اصل فردی‌سازی شده است.

رویکرد نسبی‌گرایانه به اصل فردی‌سازی، بستر مناسب سلیقه‌گرایی قضایی و تحدید حقوق و آزادی‌های فردی را فراهم می‌سازد. به بیانی دیگر، رجحان "اصل تناسب بین جرم و مجازات" بر "اصل تناسب بین مجرم و مجازات" به عنوان رویکرد غالب قانونی باعث می‌شود همین سیاست قانونگذار به رویه عملی تعمیم یافته و قضات رسیدگی‌کننده

^{۲۸} - ماده ۹۳ ق.م.ا

^{۲۹} - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال

^{۳۰} - موضوعی که در آرای قضایی نیز مشاهده می‌شود و تخفیف پاسخ بند(ث) ماده ۸۸ ق.م.ا تنها به صورت تقلیل و نه تبدیل مورد پذیرش قرار گرفته است.

به پاسخ‌های تفریدساز مطلق کمتر توسل جویند. از جمله به‌آرای نهایی شماره ۱۲۲۵۸۶۴/۰۳۰۳۹۰۰۰۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ شعبه ۱۲۰ دادگاه کیفری دو تبریز در تعلیق کل جزای نقدی محکوم ۱۷ ساله به تظاهر به روزه‌خواری در اماکن عمومی مندرج در ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و تعلیق کل جزای نقدی به مدت سه سال از تاریخ صدور قرار در رأی نهایی شماره ۴۲۹۵۴۸۲/۰۳۰۳۹۰۰۰۴۱۰۴۴۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ صادره از شعبه ۲ تجدیدنظر استان بابت اتهام فرد ۱۶ ساله به جرم مشارکت در نگهداری مشروبات الکلی دست‌ساز به میزان ۳۰۰ سی‌سی می‌توان اشاره نمود. همچنین، تعلیق سه‌چهارم جزای نقدی تعیین شده به مدت یک سال بابت محکومیت بزه‌کار ۱۸ ساله به اتهام چرانیدن محصول دیگری (گندم‌زار) در رأی شماره ۴۱۰۴۴۸۱/۰۳۰۳۹۰۰۰۴۱۰۴۴۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۲ همان شعبه از دیگر موارد تعیین پاسخ‌های تفریدساز مطلق است.

۲-۱-۲. توجه به ماهیت جرم

از دیگر ابعاد تضعیف اصل فردی کردن پاسخ‌ها، ممنوعیت استفاده از پاسخ‌های تفریدساز به جهت ماهیت جرم ارتكابی است. گرچه بر اساس حقوق جزای اسلامی، غالب پاسخ‌های تفریدساز یا جایگزین در "جرایم شرعی مستوجب حد یا قصاص" مورد پذیرش قرار نگرفته است. اما در صورت احراز شروط سه‌گانه مصرح در ماده ۹۱ ق.م.ا^{۳۱} کیفر جرایم شرعی می‌تواند به کیفر تعزیری تبدیل شود. در این صورت که جرایم به عنوان "جرایم شرعی موجب تعزیر"^{۳۲} شناخته می‌شوند به موجب مواد قانونی می‌توان از پاسخ‌های تفریدساز استفاده نمود.^{۳۳}

تسری فراگیر پاسخ‌های تفریدساز به "جرایم شرعی موجب تعزیر" موضوعی است که در گفتمان تقنینی در ابهام فرو رفته است. به بیانی دیگر، با ایجاد سیاستی متعارض، اعمال برخی از پاسخ‌ها به این جرایم امکان‌پذیر بوده در حالی که اختیار استفاده از برخی پاسخ‌های تفریدساز دیگر از مرجع قضایی سلب شده است. در این خصوص، پاسخ‌های تفریدساز را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته نخست، پاسخ‌های مصرح در بندهای (پ) تا (ث) ماده ۸۹ ق.م.ا^{۳۴} و تبصره ۲ این ماده است. این کیفرها شامل حبس خانگی، حبس پایان‌هفته‌ای و خدمات عمومی رایگان است. این جایگزین‌های حبس به استناد ذیل ماده ۹۱ قانون مذکور که محکومیت به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل (فصل دهم) را جایگزین حد یا قصاص کرده‌اند، در "جرایم شرعی موجب تعزیر" نیز قابل اعمال است. دسته دوم، آن قسم از جایگزین‌هایی است که به صراحت مواد قانونی در جرایم تعزیری و نه "جرایم شرعی موجب تعزیر"

^{۳۱} - ماده ۹۱: «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.»

^{۳۲} - این جرایم، ماهیتاً شرعی و حکماً تعزیری هستند. حکم این جرایم از "شرعی" به "تعزیری" تبدیل شده است. بدین روی، می‌توان این جرایم را نوعی "جرایم شرعی تبدیل‌یافته به کیفر تعزیری" یا "جرایم شرعی تعزیریافته" تلقی کرد.

^{۳۳} - نظیر جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان مقرر در ماده ۸۹.

^{۳۴} - ماده ۸۹: «در باره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند... مجازات‌های زیر اجراء می‌شود:

پ... پرداخت جزای نقدی... یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت پرداخت جزای نقدی... یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث پرداخت جزای نقدی... در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.»

قابل اعمال است. پاسخ‌های موضوع ماده ۹۴ ق.م.ا.^{۳۵}، آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی مشمول این جایگزین‌ها هستند که به جهت ماهیت جرم ارتكابی مشمول ارفاق ماده ۹۱ ق.م.ا نمی‌شود. همین امر نشانگر تأثیر ماهیت جرم ارتكابی بر گستره ارفاق‌های قانونی است.

در رویه قضایی نیز در خصوص این جرایم به هیچ یک از پاسخ‌های دسته دوم اشاره نشده است بلکه تنها موارد نادری از محکومیت به خدمات عمومی رایگان یعنی پاسخ دسته نخست ملاحظه گردید. از جمله در رأی شماره ۸۵۸۵۳۷۶۶۵۰۰۳۹۰۰۳۰۳۰۳ تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۲۰ صادره از شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری دو تبریز که متهم ۱۷ ساله با توجه به ارفاق موضوع ماده ۹۱ ق.م.ا به ارائه ۷۲۰ ساعت خدمات عمومی رایگان بابت اتهام به شرب‌خمر محکوم شد.

عدم تسری پاسخ‌های ارفاقی دسته دوم به ویژه **تعویق صدور حکم یا تعلیق مجازات** به "جرایم شرعی موجب تعزیر" قابل نقد است. زیرا در این جرایم می‌توان تصمیمات مواد ۸۸ و یا مجازات‌های ماده ۸۹ ق.م.ا را تعیین نمود که از جهت شرایط شمول پاسخ و ماهیت واکنش اجتماعی، خفیف‌تر از موارد تعویق محکومیت و مجازات هستند. با فرض بر اینکه جرایم شرعی مستوجب مجازات شدیدتری باشند در "جرایم شرعی تعزیریافته" امکان صدور مجازات‌های خفیف‌تر از تعویق محکومیت و مجازات برای قاضی فراهم بوده اما به نهادهای شدیدتر نظیر ماده ۹۴ ق.م.ا اشاره نشده است. از این رو، عدم تسری پاسخ‌های دسته دوم به این جرایم علاوه بر نقض اصل فردی‌سازی، با "اصل تناسب بین جرم و مجازات" نیز در تعارض است.

یکی دیگر از رویکردهای نقدپذیر با توجه به ماهیت جرم، الغای واکنش تازیانیه در جرایم تعزیری و امکان تحمیل این کیفر در جرایم حدی است. درحقیقت، قانونگذار به جهت عدم توجه کافی به راهبرد حقوق بشری موضوع ماده ۴۰ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، تازیانیه تعزیری را برخلاف تازیانیه حدی ملغی نموده است؛ این مقرر، باعث می‌شود ماهیت جرم ارتكابی در تعیین **کودکی** یا بزرگسالی تأثیرگذار باشد. حال آنکه، تعیین مسئولیت کیفری این افراد بر مبنای ماهیت جرم ارتكابی و واگذاری سرنوشت افراد زیر ۱۸ سال به مجموعه‌ای از احتمالات قضایی شیوه مناسبی برای حل مسأله تفکیک کودکی از بزرگسالی نیست. می‌توان گفت اختیارات دادرسی در "جرایم تعزیری" نسبت به "جرایم تعزیریافته" محوریت بیشتری برای گفتمان‌سازی در راستای رعایت فردی‌سازی داشته و طیف بیشتری از پاسخ‌ها را در صورت ارتكاب "جرم تعزیری" در اختیار مرجع قضایی قرار می‌دهد.

مطالعه آرای قضایی نیز نشانگر حاکمیت تفکر سخت‌گیرانه در اعمال مجازات تازیانیه در "جرایم تعزیریافته" است. برای نمونه در رأی شماره ۰۷۰۸۰۲۶۲۰۹۹۷۴۱۲۶۲۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ شعبه ۱ دادگاه کیفری یک تبریز، هریک از متهمان ۱۶ ساله بابت محکومیت به شرب‌خمر به تحمل هشتاد ضربه تازیانیه حدی محکوم شدند. در رأی شماره ۰۹۹۶۰۹۹۷۴۱۱۴۵۰۰ صادره از شعبه ۱۲۲ کیفری دو تبریز نیز همین کیفر تعیین شد. در مقابل، رویکرد قضایی مبنی بر عدم اجرای کیفر شرعی در موارد نادری از آرای محکومیت ملاحظه گردید. از جمله در پرونده شماره ۰۲۱۰۹۹۹۷۴۱۱۲۶۰۲۱۰۹ صادره از شعبه ۳ کیفری دو تبریز در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ که متهم ۱۶ ساله بابت اتهام شرب‌خمر به لحاظ ارفاق ماده ۹۱ ق.م.ا به پرداخت جزای نقدی بند(ت) ماده ۸۹ این قانون محکوم شد.

۲-۲- طیفی‌زدایی از پاسخ‌ها

^{۳۵} ماده ۹۴ ق.م.ا: «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

متنوع یا نامعین بودن و به اصطلاح طیفی شدن پاسخ‌ها^{۳۶} یکی دیگر از ابعاد فردی‌سازی در الگوی رفاه است. به عبارتی، لازمه فردی‌سازی، تنوع‌مندی پاسخ‌ها است که از منظر قابلیت انطباق با وضعیت شخصیتی و رفتاری مرتکب مناسب‌تر است و موجب گزینش "پاسخی فردی‌شده" می‌شود. علی‌رغم وجود ارتباط عمیق میان "اصل فردی-سازی" و "اصل طیفی‌سازی پاسخ‌ها"، برخی موارد حاکی از دوری‌گزینی قانونگذار از اصل طیفی‌سازی تدابیر است. مصداق بارز طیفی‌زدایی، بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا است که جهت تفصیل مطلب باید این بند را با بند (پ) ماده ۸۹ و تبصره ۲ ماده ۸۸ قیاس کرد.

مورد نخست، مقایسه بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا. با بند (پ) ماده ۸۹ ق.م.ا است که حاکی از طیفی‌زدایی پاسخ‌ها است. بدین نحو که در صورت ارتکاب تعزیرات درجه یک تا پنج از سوی افراد ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی طبق بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا الزاماً نگهداری در کانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده اما برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی^{۳۷} در صورت ارتکاب تعزیر درجه پنج^{۳۸} طیفی از کیفرها نظیر حبس خانگی یا پایان‌هفته‌ای، جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان تعیین شده است. حال آنکه تضمین اصل فردی‌سازی، اقتضا می‌نماید دادرسان بتوانند در پرتو حق برخورداری از متناسب‌ترین پاسخ‌ها، برای اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله نسبت به نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله از انواع گسترده‌تری از پاسخ‌های قضایی استفاده نمایند. در این مقرر، امکان طیفی‌سازی تنها برای افراد ۱۵ تا ۱۸ سال مرتکب جرم تعزیری درجه پنج پیش‌بینی شده است نه افراد ۱۲ تا ۱۵ سالی که مرتکب تعزیرات درجه یک تا پنج می‌شوند. برای مثال، در دادنامه شماره ۱۷۶۴۰۵۳/۱۴۰۰۳۰۳۹۰۰۰ صادره از شعبه ۱۰۱ کیفری دو شبستر، با توجه به سن طفل در زمان حادثه (بی‌احتیاطی در امر رانندگی بدون گواهی‌نامه منجر به قتل غیرعمدی که کمتر از ۱۴ سال تمام شمسی بوده) محکومیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت موضوع بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا صادر شد؛ در مقابل، در رأی صادره از شعبه ۱۰۱ کیفری دو اهر برای نوجوان ۱۶ ساله موضوع ماده ۸۹ ق.م.ا به شماره ۱۴۰۰۳۰۳۹۱۹۷۸۲۱۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۰ برای جرم مشابه، حکم به پرداخت جزای نقدی موضوع بند (پ) این ماده صادر گردید. ایضاً در جرم جعل رایانه‌ای موضوع بند (پ) همین ماده، متهم زیر ۱۸ سال به جزای نقدی به مبلغ ده میلیون ریال محکوم شد. بدین روی، مقرر دو ماده مذکور باعث توسعه اختیارات دادرس جهت اعمال پاسخ‌های جایگزین حبس در خصوص افراد ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی و عدم امکان استفاده از جایگزین حبس در مورد افراد ۱۲ تا ۱۵ سال شمسی در عمل شده است.

قیاس بعدی، مقایسه بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا با تبصره ۲ ماده مذکور است. در مورد نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله مرتکب جرایم موجب حد یا قصاص^{۳۹} به مقام قضایی این اختیار داده شده تا بنا به صلاحدید خود، فرد را به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم کند یا به او تذکر و اخطار دهد. اما طبق تبصره ۱ همین ماده، همین گروه سنی در صورت ارتکاب جرم تعزیری درجه یک تا پنج، به طور الزامی به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شوند. می‌توان گفت جرم شرعی مذکور در تبصره ۲ این ماده نسبت به جرم تعزیری درجه یک تا پنج، مرکزیت بیشتری برای گفتمان-سازی در راستای تضمین اصل طیفی‌سازی دارد.

³⁶ - diversification

^{۳۷} - رأی شماره ۱۴۴۵۷۸۹/۱۴۰۰۳۰۳۹۰۰۰ صادره از شعبه ۱۰۳ کیفری دو تبریز مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۹.

^{۳۸} - به استناد بند (پ) ماده ۸۹ ق.م.ا.

^{۳۹} - تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا.

لازمه تسامح بیشتر در مورد گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، به جهت عدم توسعه‌ی شخصیتی و تدریجی بودن تکامل عقلانی، به کار بستن پاسخ‌های قضایی متنوع است. اما پاسخ‌های کیفری موضوع تبصره ۲ ماده ۸۹ و ماده ۹۴ ق.م.ا.^{۴۱} بنابه صراحت مواد مذکور بر گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قابل تسری نیست؛ در حالی که استفاده از پاسخ‌هایی نظیر آزادی مشروط، نظارت الکترونیکی و نظام نیمه‌آزادی بر این گروه سنی امکان‌پذیر است. این رویکرد قابل نقد است. زیرا رسالت برخی جایگزین‌های سالب آزادی (آزادی مشروط و حبس پایان‌هفته‌ای) مشابه است. پاسخ‌های سه-گانه مذکور، به جهت امکان حضور مجدد بزهکار در جامعه و تسهیل فرآیند جامعه‌پذیری پس از آزادی از قانون اصلاح و تربیت در قانون پیش‌بینی شده و با تلفیق مفهوم کیفر با مفهوم درمان، کارکرد این تدابیر آن است که پس از ظهور و بروز نشانه‌های اصلاح دیگر نیازی به تحمل پاسخ‌سنتی سالب آزادی نباشد.^{۴۱} عدم امکان استفاده از حبس-های پایان‌هفته‌ای و حبس خانگی در خصوص این گروه سنی علی‌رغم امکان اعمال تدابیر آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی فاقد مبنای حقوقی و منطقی است.^{۴۲}

۳-۲- اصالت‌زدایی از رویکرد تعدیل‌یافته کودک‌مدار

از ابعاد افتراقی کردن نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان، تأکید بر پاسخ‌های تعدیل‌یافته کودک‌مدار است.^{۴۳} این شیوه پاسخ‌دهی باعث می‌شود در خصوص جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان واکنش کیفری خفیف‌تری در مقایسه با بزرگسالان جرم مشابه نشان داده شود. نخستین گام جهت ضابطه‌مندسازی رویکرد تعدیل‌یافته در تعیین پاسخ پس از انقلاب اسلامی ایران، در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. برداشته شده و در جرایم تعزیری میان سن "شروع مسئولیت کیفری" و "مسئولیت کیفری کامل"، نظام تدریجی مسئولیت کیفری پیش‌بینی شد. با وجود این، پاسخ‌های تعدیل‌یافته مقرر در مواد مذکور با برخی ابهامات قانونی مواجه است که پذیرش مکانیزم فردی سازی را با مشکل مواجه کرده است.

به بیانی دیگر، پذیرش مکانیزم فردی‌سازی منوط به پذیرش پاسخ‌های جایگزین حبس و دوری‌گزینی از پاسخ-های حبس‌زا از یک سو و تأکید بر پاسخ‌های جایگزین نوین از سوی دیگر است. با پذیرش این دو مؤلفه، می‌توان از رویکرد تعدیل‌یافته کودک‌مدار سخن گفت. اما، موارد متعددی در قانون نشانگر توجه ناکافی به این رویکرد است. از یک طرف در بستر پاسخ‌گذاری تعدیل‌یافته به جای رویکرد جایگزینی حبس‌زدا بر رویکرد کاهنده تأکید شده و از طرف دیگر در پرتو رویکرد جایگزینی حبس‌زدا، جایگزین سنتی در عمل به یک رویکرد غالب هنگام تصمیم‌گیری کیفری مبدل شده است.

^{۴۰}- حبس خانگی، حبس پایان هفته‌ای، تعویق محکومیت و تعلیق مجازات

^{۴۱}- دانش، تاج‌زمان، *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی*، (تهران: میزان، ۱۳۸۶)، ۱۳۳.

^{۴۲}- عدم امکان استفاده از پاسخ‌های تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا. در مورد جرایم موضوع بندهای (ت) و (ث) ماده مذکور و عدم تعمیم خدمات عمومی رایگان در مورد جرایم بند (ث) این ماده از دیگر مصادیق طیفی‌زدایی پاسخ‌ها است. نکته قابل توجه اینکه در عمل، موردی یافت نشد که متهم به پاسخ‌های کیفری موضوع مواد ۵۶، ۵۸، ۶۲ و تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا. محکوم شده باشد.

^{۴۳}- توضیح آنکه به طور کلی دو نظام پاسخ‌دهی بر مبنای مسئولیت کیفری این افراد در کشورهای مختلف وجود دارد. در گونه نخست، با تبعیت از شیوه دفعی، فرد تا سن خاصی به طور مطلق فاقد مسئولیت کیفری است اما به محض گذر از آن سن، مسئولیت کیفری کامل می‌یابد. در شیوه دوم، با ملاک قرار دادن رشد کامل عقلانی، مسئولیت کیفری کامل به طور تدریجی تحقق می‌یابد. بدین منظور میان مسئولیت کیفری مطلق و فقدان مسئولیت کیفری، حالت سومی وجود دارد که به عنوان "مسئولیت کیفری تعدیل‌یافته" یا "اهلیت کیفری ناقص" از آن یاد می‌شود. ر.ک:

- Cipriani, Don, *Children's Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility: A Global Perspective*, England: Ashgate Publishing Limited, (2009): 13.

با نگاهی به مقررات مربوط به جرایم تعزیری، می‌توان دو گونه کیفرگذاری تعدیل یافته در افراد زیر ۱۸ سال را از یکدیگر تفکیک نمود: "رویکرد جایگزین حبس" و "رویکرد حبس‌گرا". در رویکرد نخست، انواع پاسخ‌های جانشین نگهداری در کانون اصلاح و تربیت با شدت کمتری از حیث میزان برخورداری است. از جمله میزان جزای نقدی و طول مدت خدمات عمومی رایگان در مورد این گروه سنی کمتر است. در رویکرد دوم، با توجه به پاسخ سالب آزادی، میزان محرومیت از آزادی افراد پایین‌تر از ۱۸ سال نسبت به افراد بالای ۱۸ سال به اتهام جرم مشابه، روندی نزولی دارد. دقت در نحوه برابری پاسخ‌های کاهنده نسبت به اطفال و نوجوانان پایین‌تر از ۱۸ سال^{۴۴} و بزرگسالان این واقعیت را بهتر نمایان می‌سازد.^{۴۵} همچنین، در بستر پاسخ‌گذاری رفاه‌مدار، به جهت ارزیابی منفی کارنامه پاسخ سالب آزادی از دریچه ناکارآمد بودن و آسیب‌زا بودن، پاسخ‌های جایگزین حبس باید در اولویت قرار گیرد. ناهم‌سویی‌های تقنینی با فردی‌سازی پاسخ‌ها از حیث عدم پذیرش کامل رویکرد کمینه‌ای به پاسخ سالب آزادی و بی‌توجهی به رویکرد بیشینه‌ای به پاسخ‌های جایگزین حبس بحثی است که در این قسمت بدان پرداخته می‌شود.

۱-۳-۲- عدول از رویکرد حداقلی به پاسخ‌گذاری حبس‌گرا

در تعیین پاسخ برای اطفال و نوجوانان بزهکار، رویکرد تقلیل‌گرا به پاسخ سالب آزادی باید به عنوان یک اصل مورد تأکید باشد. ضابطه‌مندی مکانیزم "استفاده کمینه‌ای از پاسخ سالب آزادی" در حقوق داخلی کشورها مدیون یافته‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا است.

جرم‌شناسی تعامل‌گرا، استفاده از این پاسخ را به عنوان پادزهر نهایی یا ضربه غایی کنترل جرم به رسمیت می‌شناسد.^{۴۶} بر اساس این گونه جرم‌شناسی، فرآیند درونی شدن هویت بزهکارانه در اطفال و نوجوانان، به سهولت بیشتری پدید می‌آید. زیرا شخصیت تکامل نیافته عقلانی، ویژگی تلقین‌پذیر والگوگیری آنی در آنان باعث می‌شود صرف شناسایی این دسته به عنوان بزهکار از سوی جامعه، درونی‌سازی هویت بزهکارانه را در پی داشته باشد. از این رو، حبس‌زدایی و پیدایش شیوه‌های مداراگرایانه کیفری نظیر جایگزین حبس در راستای کاهش احتمال برچسب‌زنی از برنامه‌های پیشنهادی این نظریه است.

با وجود این، نحوه قانونگذاری، رویکرد کمینه‌ای به پاسخ‌های کاهنده را کامل نپذیرفته است. توضیح آنکه، طبق بند (ب) ماده ۸۹ ق.م.ا نگهداری در کانون به مدت ۱ تا ۳ سال جایگزین تعزیر درجه چهار شده است. در تعزیر درجه چهار بنا به تصریح ماده ۱۹ ق.م.ا کیفرهای دیگری به غیر از حبس نیز پیش‌بینی شده است. **جزای نقدی بیش از پانصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال از این قبیل است.** حال، اگر فرد ۱۵ تا ۱۸ ساله، مرتکب تعزیر درجه چهار شود باز هم دادگاه ملزم است که وی را به نگهداری در کانون برای مدت ۱ تا ۳ سال، محکوم کند. ظاهر ماده حاکی از آن است که قاضی حق انتخاب نداشته و امکان محکومیت به جزای نقدی^{۴۷} وجود ندارد. در حالی که بزرگسال مرتکب همان جرم مشابه ممکن است به جزای نقدی درجه چهار محکوم شود. از جمله در رأی شماره

^{۴۴} -موضوع بند (ث) ماده ۸۸ و بندهای (الف) تا (پ) ماده ۸۹ ق.م.ا.

^{۴۵} -از جمله، در بند (ب) ماده ۸۹ مقرر شده است که نوجوان مرتکب جرم تعزیری درجه چهار به نگهداری در کانون به مدت ۱ تا ۳ سال محکوم شود. در نتیجه با اتخاذ رویکرد کاهنده، نگهداری در کانون به مدت یک تا سه سال، جایگزین حبس تعزیری بیش از پنج تا ده سال مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا شده است.

^{۴۶} -نیازیور، امیرحسین، «حقوقی‌سازی یافته‌های جرم‌شناسانه در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، تحقیقات حقوقی، ۲۳(۱۳۹۴)، ۲۳۷.

^{۴۷} -بنابر بر نص صریح ماده ۸۹ ق.م.ا.

۱۳۹۱۰۴/۰۳/۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۷ صادره از شعبه ۱۱۲ کیفری دو تبریز، به جهت اتهام شرکت در سرقت مقرون به آزار، محکومیت به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت (درجه چهار) در خصوص متهم ۱۶ ساله صادر شد. در چنین مواردی از قدرت مانور دادرسی اطفال ونوجوانان به جهت وجود نصوص تکلیف‌آور قانونی کاسته شده که نشانگر کمینه‌ای شدن صلابت و استقلال قضایی است.

یکی دیگر از جهات ناظر بر تقویت رویکرد کانون‌زایی،^{۴۸} تأکید بر نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در صورت ارتکاب جرم‌های تعزیری درجه یک تا پنج از سوی افراد ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمرده است.^{۴۹} در این زمینه، امکان‌پذیرش تدابیر موضوع ماده ۸۹ ق.م.ا و تبصره ۲ آن وجود ندارد. زیرا این پاسخ‌ها، مختص نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمرده است. می‌توان گفت در خصوص پاسخ نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، "راهبرد کنترل" جایگزین "راهبرد حذف مشروط" شده است. توضیح آنکه، "راهبرد کنترل"، به منزله تلاش نظام پاسخ‌گذاری در تحدید دامنه آسیب‌های تحت سیاست‌گذاری و پیشگیری از توسعه ابعاد آن است.^{۵۰} در واقع، قانونگذار در بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا درصدد حذف آسیب از طریق ممنوعیت حداکثری به صدور حکم نگهداری در کانون نیست. به بیان دیگر، تنها با تعیین مدت نگهداری در کانون و تخصیص به جرایم شدیدتر، تلاش نموده پیامدهای نامطلوب چنین آسیب‌هایی را به حداقل رسانده و به نوعی کنترل نماید.

در مقابل، "راهبرد حذف مشروط" با پذیرش راهبرد حقوق بشرمدار در صدد جلوگیری حداکثری از اعمال پاسخ سالب‌آزادی است. در اسناد بین‌المللی به نحو ارشاد و الزام بر محدودیت استفاده از روش سالب‌آزادی از لحاظ کیفی (استفاده از این پاسخ به عنوان آخرین راه ممکن) و کمی (توسل به پاسخ مذکور برای زمان اندک) تأکید شده است.^{۵۱} در واقع، راهبرد مورد تأکید اسناد بین‌المللی در این خصوص، "راهبرد حذف مشروط" است. این راهبرد، به منظور امحاء یا حذف کامل آسیب‌های ناشی از نگهداری در زندان، اصل را بر استفاده از رویکرد جایگزین سالب‌آزادی دانسته است؛ استثنای آن تنها مواردی است که نتوان از رهگذر سایر تدابیر کیفری جرم را مهار کرد. علی‌رغم اینکه، نتایج پژوهش‌های علمی نشانگر اثربخشی الگوی رفاه در مقایسه با الگوی عدالت از منظر جلوگیری از تکرار جرایم این افراد است. با وجود این، نحوه پاسخ‌گذاری جرایم اطفال ونوجوانان در بند (ث) ماده ۸۸ و بندهای (الف و ب) ماده ۸۹ تابع رویه سنتی بوده و بر پاسخ سالب‌آزادی تأکید شده است. با توجه به جدول (۳) می‌توان در عمل نیز معتقد به عدم پذیرش استفاده حداقلی از پاسخ‌های سالب‌آزادی در مرحله صدور حکم شد.

^{۴۸} -براساس بند(ث) ماده ۸۸ ق.م.ا.

^{۴۹} -گرچه برخی مواد قانونی نظیر مواد ۹۳ و ۹۴ ق.م.ا نشان‌دهنده قابلیت استفاده از نهادهایی نظیر تخفیف یا تعلیق مجازات برای این گروه سنی است، اما رویکرد جس‌گرا موضوع ذیل تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا یعنی لزوم اعمال مقررات بند(ث) در مورد افراد مرتکب تعزیرات درجه یک تا پنج در عمل باعث مهجورماندن ابزارهای جایگزین در مرحله پاسخ‌دهی شده است. همانگونه که در جدول (۳) اشاره گردیده است، پاسخ‌های جایگزین موضوع بند(ث) ماده مذکور تنها حدود چهاردرصد پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است.

^{۵۰} -ایروانیان، امیر، «لایحه رسیدگی به جرایم اطفال ونوجوانان در پرتو ملاک‌های سیاست‌گذاری جنایی»، همایش مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکتر حسن دادبان، ۱۱ (۱۳۹۰)، ۷۹.

^{۵۱} -بند (ب) ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ و قاعده ۱-۱۹ مقررات پکن ۱۹۸۵.

جدول (۳) نوع پاسخ‌ها در جرایم تعزیری

پاسخ‌های غیرکیفری - کیفری	ماهیت پاسخ	فراوانی	درصد اعتباری	درصد تجمعی	
پاسخ‌های غیرکیفری گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال	اقدامات تسلیمی	۲۰	۳۲/۲۵	۳۲/۲۵	
	اقدامات توبیخی	۳۳	۵۳/۲۲	۸۵/۴۷	
	اقدامات تأدیبی	۶	۹/۶۷	۹۵/۱۴	
	پاسخ‌های جایگزین اقدام تأدیبی				
	تعليق مجازات	۳	۴/۸۳	۱۰۰	
	آزادی مشروط	۰	۰	۰	
	مجموع	۶۲	۱۰۰	۱۰۰	
	تخفيف مجازات	۱	۰	۱	
	پاسخ‌های کیفری در برابر گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال				
	پاسخ کاهنده	۸	۱۰۰	۱۰۰	جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۴ (بند های الف و ب ماده ۸۹)
پاسخ‌های جایگزین حبس					
تعویق محکومیت یا تعليق مجازات	۰	۰	۰		
آزادی مشروط	۰	۰	۰		
تخفيف مجازات	۰	۰	۰		
مجموع	۸	۱۰۰	۱۰۰		
پاسخ کاهنده	۱۵	۳۰	۳۰	تعزیرات درجه ۵ (بند پ ماده ۸۹)	
جایگزین نوبین					
خدمات عمومی رایگان	۱۲	۲۴	۵۴		
تعویق محکومیت	۰	۰	۰		
تعليق مراقبتی	۰	۰	۰		
جایگزین سنتی					
جزای نقدی	۱۴	۲۸	۸۲		
تعليق ساده	۷	۱۴	۹۶		
آزادی مشروط	۲	۴	۱۰۰		
مجموع	۵۰	۱۰۰	۱۰۰		
تخفيف مجازات	۷	۱۰۰	۱۰۰		
جایگزین نوبین					
خدمات عمومی رایگان	۱۶	۲۳/۸۸	۲۳/۸۸	تعزیرات درجه ۶ (بند ت ماده ۸۹)	
تعویق محکومیت	۲	۲/۹۸	۲۶/۸۴		
تعليق مراقبتی	۲	۲/۹۸	۲۹/۸۲		

جایگزین سنتی			
۹۱/۰۱	۶۱/۱۹	۴۱	جزای نقدی
۱۰۰	۸/۹۵	۶	تعليق ساده
۱۰۰	۱۰۰	۶۷	مجموع
۱۰۰	۱۰۰	۱۲	تخفيف مجازات
جایگزین نوین			
۱۳/۶۳	۱۳/۶۳	۳	معافیت
۱۳/۶۳	۰	۰	تعليق محکومیت یا مجازات
جایگزین سنتی			
۱۰۰	۸۶/۳۶	۱۹	جزای نقدی
۱۰۰	۱۰۰	۲۲	مجموع

تعزیرات درجه ۷ و ۸
(بند ۱ ماده ۱۹)

نخست آنکه، در مورد افراد ۱۲ تا ۱۵ سال، حدود ۱۰ درصد از پاسخ‌ها به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت اختصاص یافته و اقدامات تأدیبی نسبت به پاسخ‌های جایگزین اقدام تأدیبی بیشتر مورد توجه دادرسان بوده است. دوم آنکه، در تعزیرات درجه یک تا درجه چهار، با تخصیص هشت رأی محکومیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، با توجه به شدت جرم، پاسخ‌های جایگزین حبس مورد غفلت دادرسان قرار گرفته است. از سوی دیگر در جرایم تعزیری درجه پنج نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمس، ۳۰ درصد از آرای محکومیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت اختصاص یافته است. موارد مذکور، اعتقاد به عدم پذیرش کامل رویکرد حداقلی به پاسخ‌های سالب آزادی در مرحله پاسخ‌دهی را تقویت کرده است. این در حالی است که پاسخ سالب آزادی "پاسخی اثربخش" تلقی نشده و در کاهش بازگشت به رفتارهای مجرمانه موفق نبوده است.^{۵۲}

در برخی تحقیقات صورت‌گرفته، بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نوجوانان زندانی شده یک تا دو سال بعد آزادی مجدداً مرتکب تکرار جرم شده‌اند.^{۵۳} یک تحقیق میدانی در ایران، نشان داد از ۲۵ نفر محکوم به حبس که مرتکب تکرار جرم شده‌اند ۱۹ نفر در گروه سنی پایین (۱۵ تا ۳۰ سال) بوده‌اند.^{۵۴} توجه به شواهد میدانی و نتایج علمی، مستلزم تدوین سیاست‌هایی در راستای تأمین کاهش تکرار جرم است. افزون بر این، تحقیقات خوداظهاری نیز بیانگر تمایل مددجویان به رویکرد جایگزینی حبس زدا است. در یکی از این تحقیقات، ۷۰ درصد از محبوسین، کاهش موارد استفاده از پاسخ‌های کاهنده و جایگزینی آن با تدابیر جایگزین را مؤثر در کاهش تکرار جرم دانسته‌اند.^{۵۵} در پژوهش

^{۵۲} - "اثربخشی" را از یک منظر می‌توان دست‌یابی به هدف اصلی واکنش‌های اجتماعی یعنی "کاهش تکرار جرم" تعبیر نمودن. ک. عباچی، مریم و محمدجعفر ساعد، ادبیات ارزیابی پیشگیری از جرم، کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم تهران، (تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی، ۱۳۸۴)، ۵.

^{۵۳} - Austin, J., Dedel, J.K., Weitzer, R., *Alternative to the Secure Detention and Confinement of Juvenile Offenders*, Juvenile Justice Practices Series, (2005):2.

^{۵۴} - یوسفی، حسن، جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، «فلسفه ارباب در بوتۀ نقد تجربی: ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس و جزای نقدی در شهر مشهد»، دیدگاه‌های حقوقی قضایی ۲۶(۹۳)(۱۴۰۰)، ۳۰.

^{۵۵} - مهدوی پور، اعظم و همکاران، بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان، پژوهش حقوق کیفری ۶(۲۳)(۱۳۹۷)، ۳۰۵.

صورت گرفته، وجود رابطه مستقیمی میان استفاده از جایگزین‌های حبس و شاخص میزان تکرار جرم شناسایی شد؛ یعنی هرچه اعمال پاسخ‌های جایگزین بیشتر باشد، تکرار جرم کمتر صورت خواهد گرفت. با این حال، علی‌رغم تأکید شواهد میدانی بر استفاده از رویکرد جایگزین حبس، تصویب مقرره‌ای نظیر بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا معارض با مبنای تحقیقاتی و علمی است. به نظر می‌رسد انحراف نظام پاسخ‌گذاری از الگوی رفاه‌مدار بدون توجه به ابعاد آماری - تجربی و مبنا قراردادن رویکرد کاهنده ممکن است ناشی از اعتقاد به رویکرد تنبیهی و نفوذ اندیشه‌های سخت‌گیرانه در مقابله با جرایم این افراد و یا اعتقاد به بی‌تأثیری رویکرد جایگزین حبس در تحقق اهداف اربابی کیفر باشد.

به بیان دیگر، علی‌الظاهر در اعمال پاسخ سالب آزادی نوعی رویکرد تنبیهی و نه تعمیمی حاکم است. توضیح آنکه، در تعیین پاسخ‌های سالب آزادی، دو رویکرد تنبیهی و تعمیمی جرم وجود دارد. در "رویکرد تنبیهی"، زندان تأمین‌کننده اهداف کیفردهی (ارعاب و بازدارندگی بزهکار بالفعل و بالقوه) است. اما "رویکرد تعمیمی" معتقد است این کیفر، علی‌رغم قابلیت بازدارندگی عام و ارعاب بزهکاران در تأمین رسالت اصلاحی کیفر ناتوان است.^{۵۶} (پرچمی، درخشان، ۱۳۹۷: ۵۳) به باور "میشل فوکو"^{۵۷} از پیروان رویکرد اخیر، حبس میزان مجرمیت را کاهش نمی‌دهد بلکه شیوه‌ای برای تفکیک‌گذاری است. از نظر فوکو، این پاسخ، سازمان‌دهی طبقه‌ای از بزهکاران را امکان‌پذیر ساخته و با فقر و به فلاکت انداختن خانواده محکوم به حبس، مولد بزهکار به طور غیرمستقیم است^{۵۸}؛ نگرشی که در تئوری یادگیری اجتماعی مورد تأکید بوده و زندان را واجد نقش مهمی در یادگیری و تبادل اطلاعات پیرامون زمینه‌های فنون ارتکاب جرم می‌داند.

۲-۳-۲. عدم پذیرش رویکرد کثرت‌گرا به پاسخ‌های جایگزین نوین

اصلاح بزهکار یعنی لحاظ شخصیت مرتکب جرم در فرآیند عدالت کیفری به منظور تناسب پاسخ‌های کیفری با وضعیت فردی و محیطی بزهکار. به عبارت دیگر، اصلاح بزهکار، هدف نهایی فردی‌سازی پاسخ‌ها است. پاسخ‌های جایگزین نوین^{۵۹} از دو ویژگی برخوردار هستند که فردی‌سازی را به نحو مطلوبی محقق می‌سازد.

بر اساس ویژگی نخست، به منظور تحقق الگوی رفاه‌مدار، پاسخ جایگزین حبس باید توأم با تعیین دستورهای نظارتی باشند تا بتوان آن‌ها را به معنای واقعی کلمه واجد خصلت بازپرورانه تلقی کرد. در جایگزین نوین بر خلاف جایگزین سنتی، جنبه نظارتی بر جنبه اصلاحی پاسخ افزوده می‌شود. به بیان دیگر، دو وصف "نظارت - مراقبت" و "اصلاح - درمان" لازم و ملزوم یکدیگر هستند و آنچه در اصلاح مجرم مهم است، تحت نظارت بودن اطفال

^{۵۶} - پرچمی، داود، درخشان، فاطمه، «مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه‌شناسی، ۴۰(۱۳۹۷)، ۵۳.

^{۵۷} - Foucault, Michel

^{۵۸} - پرچمی، پیشین، ۵۴.

^{۵۹} - بر اساس یکی از تقسیمات صورت گرفته در علوم حقوقی جنایی، جایگزین‌های حبس به سنتی و نوین تفکیک‌پذیر هستند. جایگزین‌های سنتی شامل آزادی مشروط، تعویق محکومیت، تعلیق مجازات و جزای نقدی و منظور از جایگزین‌های نوین، پاسخ‌های مقرر در بندهای الف تا ت ماده ۸۸ ق.م.ا، خدمات عمومی رایگان، حبس خانگی، تعویق و تعلیق مراقبتی، نظام نیمه‌آزادی و نظارت-الکترونیکی است. ضابطه تقسیم‌بندی پاسخ‌های قضایی به سنتی و نوین، بر اساس مقررات قانونی است. زیرا مقررات مربوط به کیفرهای سنتی، از زمان تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و پس از آن مورد توجه قانونگذار بوده اما ضابطه‌مندی کیفرهای نوین بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. برای مطالعه بیشتر ر.ک. آشوری، محمد، عدالت کیفری (۲)، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۲)، ۲۲۸؛ پورقهرمانی، بابک، نگهدار، ایرج، «رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۴۸(۲)(۱۳۹۷)، ۲۳۱.

ونوجوانان هنگام پاسخ‌گذاری است.⁶⁰ با وجود این، پاره‌ای از مقررات مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا نشانگر ضعف ابعاد نظارتی در این مقررات است:

نخستین مقرر، فقدان ماهیت مراقبتی - نظارتی در اقدامات تسلیمی و تویخی موضوع ماده ۸۸ ق.م.ا است. توضیح آنکه، تصمیمات قضایی در این ماده، شامل اقدامات تسلیمی (بندهای الف و ب)، تویخی (بندهای پ و ت) و تأدیبی (بند ث) است. در رابطه با اقدامات تسلیمی، صرف تسلیم اطفال ونوجوانان ۹ تا ۱۵ سال شمسی به اشخاص موضوع بند (الف) ماده ۸۸ ق.م.ا بدون الزام قاضی به صدور دستورهای درمانی - اصلاحی حاکی از تأکید قانونگذار به امکان تعیین پاسخی فارغ از تعهد به مراقبت و نظارت بر این افراد است. از سوی دیگر، وجود هر یک از دستورهای تبصره این ماده منوط به گزینش اقدامات تسلیمی است و در صورت محکومیت اطفال ونوجوانان ۹ تا ۱۵ سال به اقدامات تویخی، اعمال رویکرد نظارتی امکان‌ناپذیر است. در واقع، تکمیلی دانستن تدابیر موضوع تبصره ماده مذکور باعث می‌شود، فرد بزهکار مشمول تصمیم‌های بندهای (پ) و (ت) ماده مذکور قرار نگیرد.

افزون بر این، پاسخ‌های جایگزین نوین، جزء پاسخ‌های مشروط تلقی می‌شوند. توضیح آنکه از جهت نتایج کسب‌شده، پاسخ جایگزین حبس می‌تواند به دو طیف پاسخ‌های بلاشرط و مشروط تقسیم گردد:

پاسخ‌های بلاشرط مجموعه‌ای از پاسخ‌های جایگزین را شامل می‌شود که نسبت به نتیجه یا تأثیر حاصله بر وضعیت طفل یا نوجوان بلاشرط است. به بیان دیگر، اجرا یا عدم اجرای دستورهای بر اقدامات مقام تصمیم‌گیرنده مؤثر نخواهد بود و تأثیرگذاری آنها توسط مرجع تصمیم‌ساز مفروض تلقی می‌شود. مصادیق این دسته از اقدامات، اقدامات قضایی مصرّح در تبصره ماده ۸۸ ق.م.ا نظیر معرفی به مددکار اجتماعی یا روانشناس و فرستادن به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی است. ضمانت اجرای نقض این دستورات مسکوت‌گذاشته شده است.

در مقابل، پاسخ مشروط به گونه‌ای از واکنش در برابر بزهکاری اطفال ونوجوانان گویند که حسب پیامدکسب - شده، تصمیمات مقتضی توسط دادرس اتخاذ می‌گردد. این موارد شامل نقض تدابیر یا دستورهای قضایی در تعویق محکومیت و مجازات و آزادی مشروط است که حسب اطلاق و عموم مقررات کیفری موضوع مواد ۴۴، ۵۰، ۵۴ و ۶۱ ق.م.ا با افراد ناقص دستورها طبق مواد مذکور برخورد می‌شود. تعیین پاسخ‌های مشروط، قابلیت ارزیابی تحولات به وقوع پیوسته در اوصاف شخصیتی اطفال ونوجوانان بزهکار راهمسو با فرآیند جامعه‌پذیری میسر می‌سازد؛ به عبارتی، یکی از شرایط موفقیت برنامه اصلاحی، وجود ضمانت اجرای تخلف متهم است.⁶¹ تحقق اهداف اصلاحی - درمانی به عنوان هدف نهایی فردی‌سازی پاسخ‌ها، مستلزم توسعه دامنه پاسخ‌های مشروط و تعیین ضمانت اجرا در صورت نقض دستورهای قضایی است. با وجود این، بیشتر پاسخ‌های مقرر در فصل دهم ق.م.ا جزء پاسخ‌های بلاشرط تلقی شده و فاقد ضمانت اجرای نقض دستورهای اصلاحی هستند.

عدول از رویکرد حداکثری به جایگزین نوین در عمل نیز کامل پذیرفته نشده است. با توجه به جدول (۳) می - توان رجحان پاسخ‌های جایگزین سنتی بر نوین را در روبه قضایی ملاحظه کرد. تعلق ۲۸ درصد از محکومیت به

⁶⁰ - Lowenkamp Christopher T, Intensive supervision programs: Does program Philosophy and the principles of effective intervention matter? *Journal of Criminal Justice*, 38(4) (2007):368.

⁶¹ - Casey, Pamela M., David B. Rottman, and Chantal G. Bromage, *Problem-Solving Justice Toolkit*. Williamsburg, VA: National Center for State Courts, (2007):32.

جزای نقدی در تعزیر درجه پنج و اختصاص ۶۱ و ۸۶ درصد آرای محکومیت به جزای نقدی به ترتیب در تعزیر درجه شش و تعزیر درجات هفت و هشت، خود نشانگر قدرت‌نمایی حداکثری جزای نقدی و حاکمیت تفکر غالب استفاده از جایگزین سنتی در آرای قضایی مربوط به جرایم تعزیری است. کثرت اعمال جزای نقدی به جهت طی نشدن فرآیند نظارتی و تحت آموزش و مراقبت قرار نرفتن مرتکب، کمترین میزان بازپروری را به همراه دارد.، عدم پذیرش حداکثری پاسخ جایگزین نوین باعث شده است ابعاد نظارتی این پاسخ‌ها نیز به عنوان یکی از ابعاد فردی‌سازی پاسخ‌ها در عمل مهجور ماند.

۳- عدم التزام به الگوی رفاه

تحلیل محتوای قانون مجازات اسلامی و آرای قضایی، نشانگر عدم التزام به الگوی رفاه از حیث فردی‌سازی در تعیین پاسخ است؛ یعنی حسب مورد در جرایم تعزیری، الگوی جایگزینی و در جرایم شرعی، الگوی عدالت به عنوان رویکرد مسلم در تعیین پاسخ پذیرش شده است.

۱-۳- پذیرش الگوی جایگزینی حبس‌زدا در جرایم تعزیری

در الگوی رفاه با تأکید بر عناصر دوگانه "اصلاح - درمان" و "نظارت - مراقبت"، هدف از روی‌آوری به پاسخ‌گذاری جایگزین حبس، بازپروری و تقویت خصیصه اصلاحی است. در مقابل، "الگوی جایگزینی"^{۶۲}، یکی از رویکردهای پاسخ‌گذاری است که با اعمال پاسخ‌های جایگزین حبس در صدد "حبس‌زدایی" و نه لزوماً اصلاح و بازپروری است.^{۶۳} به بیانی دیگر، این الگو، با نگرشی ابزارگونه به جایگزین‌های حبس، اعمال این پاسخ‌ها را به منظور کاهش توسل به حبس و کاهش هزینه‌های دولت توجیه‌پذیر می‌داند.^{۶۴}

تحول در رسالت اجرای پاسخ‌های اصلاح‌مدار و جهت‌گیری این پاسخ‌ها از جنبه درمانی به جنبه اقتصادی مهم‌ترین ویژگی "الگوی جایگزینی" است. این تجدید ساختار به رویگردانی از اصل فردی‌سازی و فراموشی شخصیت بزهکار منتهی می‌شود. در این الگو، ماهیت اصلاحی برنامه‌های نظارتی به ماهیت کنترلی تغییرجهت داده و فردی‌سازی، قربانی سیاست‌های مقطعی دولت‌ها می‌شود. فصل دهم کتاب اول ق.م.ا با گرت‌برداری از الگوی جایگزینی، باعث عدم توجه کافی به الگوی رفاه شده است. با شناسایی ابعاد و عناصر الگوی جایگزینی در پاسخ‌گذاری به جرایم اطفال و نوجوانان مطابق جدول (۴)^{۶۵} می‌توان بازتاب این الگو را در کتاب اول ق.م.ا ملاحظه نمود:

⁶² - Alternative Model

⁶³ - شمس‌ناتری، محمدابراهیم، ریاحی، جواد، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، حقوق اسلامی ۹(۳۳)/۱۳۹۱، ۱۹۵. با اضمحلال تدریجی دول رفاه و انتقاد از ساختار خیریه‌مدار این دول، ترکیبی از سیاست‌های نئولیبرال و محافظه‌کار شکل گرفت که با ایجاد خط‌مشی‌های عمومی گسترده در حوزه عدالت کیفری منجر به ایجاد تحولات جدیدی در نظام پاسخ‌گذاری شد. این رویکرد نوین که از سوی دیوید گارلند منتسب به مدرنیسم کیفری است، هدفی غیر از ترویج رویکرد اصلاح و درمان در پیش دارد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: گارلند، دیوید، پاسخ‌های انطباقی مدرنیسم کیفری، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری، ترجمه محمد فرجی‌ها، (تهران: سمت، ۱۳۹۱)، ۷۴۵.

⁶⁴ - Sieh, Edward w. (2006); *Community Corrections and Human Dignity*; First edition, Canada: Jones and Bartlett Publishers, (2006):34-36.

⁶⁵ - شمس‌ناتری، همان، ۱۹۳-۱۹۰؛

-Seymour, Mairead, *Alternatives to custody*; the community Foundation for Ireland in association with Irish penal reform Trust, Ireland, (2005):8-12.

نخستین ویژگی این الگو، مستقل نبودن پاسخ‌های جایگزین است. به بیان دیگر، از آنجایی که هدف، جایگزینی و نه اصلاح است، مجازات اصلی جرم، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است. از این رو، پاسخ جایگزین، ضمانت-

جدول ۴- تقابل الگوی رفاه و الگوی جایگزینی حبس‌زدا	
عناصر الگوی رفاه	عناصر الگوی جایگزینی
توجه به حبس‌زدایی با هدف اصلاح و درمان	توجه به حبس‌زدایی با هدف کاهش هزینه‌های دولت
توجه به اصل تناسب بین مجرم و مجازات	توجه به اصل تناسب بین جرم و مجازات
تضمین رویکرد کمینه‌ای به پاسخ‌های کاهنده	عدم پذیرش رویکرد کمینه‌ای به پاسخ‌های کاهنده
اصالت‌بخشی به شاخص‌های بالینی - فراحقوقی	اصالت‌بخشی به شاخص‌های قانونی در پاسخ‌گذاری
رویکرد مبتنی بر غلبه جایگزین‌های نوین بر جایگزین‌های سنتی	رویکرد مساوات‌گرا به جایگزین‌های نوین و سنتی
توجه به ماهیت درمانی - نظارتی برنامه‌های جایگزین	عدم توجه به ماهیت درمانی - نظارتی برنامه‌های جایگزین
نگرش هدفمند به پاسخ‌های جایگزین	نگرش ابزارگونه به پاسخ‌های جایگزین حبس
توجه به رویکرد مشارکتی در پاسخ‌گذاری جایگزین	توجه ناکافی به رویکرد مشارکتی در پاسخ‌گذاری جایگزین

اجرای مستقلی نیست؛ بلکه تابع مجازات اصلی است. در این الگو، مرجع قانونگذار، هنگام وضع مقرره راجع به کیفرگذاری، ارتکاب جرم را مستقلاً مستوجب پاسخ غیرسالب‌آزادی قرار نمی‌دهد بلکه بر اساس مقرره دیگر، دسته-ای از جرایم که رکن قانونی آنها مستوجب نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است، را مشمول برخی تدابیر جایگزین حبس قرار می‌دهد. در این صورت قانونگذار به دادرسان اختیار می‌دهد میان نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و پاسخ جایگزین، یکی را برگزینند.

نحوه نگارش تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا.مصدق بارز عدم استقلال پاسخ‌های مذکور در این تبصره است. طبق این تبصره: «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری ... موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته ... حکم دهد.» این ویژگی، به نوبه‌ی خود نشان‌دهنده عدم اصالت و استقلال پاسخ اصلاحی است؛ در حالی که در الگوی رفاه، جایگزین‌های سالب‌آزادی در راستای پذیرش رویکرد تقلیل‌گرا اصالتاً می‌باید مابه‌ازای جرم باشند.

دومین ویژگی الگوی جایگزینی، هم‌جواری جایگزین نوین با جایگزین سنتی است که در بندهای (پ) و (ت) ماده ۸۹ ق.م.ا. اشاره شده است^{۶۶} در این الگو، پاسخ‌های نوینی نظیر خدمات عمومی رایگان در کنار جزای نقدی به عنوان جایگزین سنتی تعیین گردیده تا به دامنه جایگزین‌ها افزوده شود. بنابراین، آنچه اهمیت دارد جانشینی با پاسخ کاهنده (نگهداری در کانون) است و تفاوتی میان جایگزین‌های نوین و سنتی وجود ندارد.

سومین ویژگی حاکم بر الگوی جایگزینی حبس‌زدا، محدودیت در گستره موارد مشمول الگوی جایگزینی است. بسیاری از جرایم افراد ۱۲ تا ۱۵ ساله (تعزیرات درجه یک تا پنج)^{۶۷} و نوجوانان زیر ۱۸ سال (تعزیرات درجه یک

^{۶۶}-Seymour, Ibid.p.8.

^{۶۷}-بند (ث) ماده ۸۸ ق.م.ا.

تا چهار) موجب نگهداری در کانون اصلاح و تربیت شده و از شمول این الگو خارج هستند. دو بند نخست ماده ۸۹ ق.م.ا.ت.ش^{۶۸} نشانگر این امر است. به بیان دیگر، در این الگو، اصل بر استفاده از پاسخ سالب آزادی و اختصاص این الگو به جرایم خفیف است. در حالی که در الگوی رفاه، بر اساس راهبرد حقوق بشری، اصل بر استفاده از زندان به عنوان آخرین راه حل کیفری است.

دیگر عنصر الگوی جایگزینی، تعیین پاسخ جایگزین فارغ از الزام قضات به نظارت بر محکومین است. نظارت در مدت اجرای پاسخ‌های جایگزین و تعیین دستورهای درمانی - مراقبتی (الزام به حضور در مراکز آموزشی یا درمانی، الزام به درمان اعتیاد، معرفی به مددکار اجتماعی) ضمن صدور حکم، باعث می‌شود پاسخ‌های جایگزین در تحقق اهداف اصلاحی به کارگرفته شوند. اما این مسأله در مورد پاسخ‌های مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا.ت.ش مشاهده نمی‌شود. زیرا تعیین برنامه‌های نظارتی در صورت تعیین پاسخ غیرسالب آزادی یا جنبه اختیاری دارد (همانند بند نخست ماده ۸۸ در صورت گزینش اقدامات تسلیمی) و یا به طور کلی مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است (نظیر حبس - خانگی یا حبس پایان یافته‌ای موضوع تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا.ت.ش). اهداف ترسیم شده در نظام پاسخ‌گذاری باید متناسب با هویت و ماهیت چنین نظامی تنظیم گردد. صرف‌حسب‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری کانون‌های اصلاح و تربیت هنگام کیفرگذاری، ابزار صحیح دستیابی به هدف اصلی نظام پاسخ‌گذاری رفاه‌مدار یعنی اصلاح و بازپروری نیست. بررسی این وجوه تمایز نشانگر رجحان الگوی جایگزینی بر الگوی رفاه در جرایم تعزیری این افراد است.

۲-۳- توجه به الگوی عدالت در جرایم شرعی

مطالعه محتوای کیفرگذاری نشانگر تضمین الگوی عدالت در جرایم حدی و قصاصی است. این الگو، به توجیه واکنش‌های سخت‌گیرانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزه‌کار می‌پردازد. کاهش سن مسئولیت کیفری، اتخاذ سیاست‌های کیفری مبتنی بر عدم تساهل و تسامح و ضرورت استفاده از مجازات‌های ثابت و متناسب مورد تأکید این الگو است.^{۶۹}

الگوی عدالت با تأکید بر تناسب حداکثری جرم و مجازات، با اصل فردی‌سازی ناسازگار است. زیرا در این اصل، "تناسب بین مجرم و مجازات" بیش از اصل "تناسب بین جرم و مجازات" حائز اهمیت است. گرچه با استناد به ماده ۹۱ ق.م.ا.ت.ش می‌توان رویه مناسبی جهت عدم اعمال پاسخ‌های کیفری شدید اتخاذ نمود، با این حال، امکان صدور کیفرهای شرعی همچنان وجود دارد. همین مقرر، التزام به الگوی رفاه را با مشکل مواجه ساخته است. از سوی دیگر، نوع پاسخ کیفری یا غیرکیفری موضوع ماده ۹۱ ق.م.ا.ت.ش مبهم است. قانونگذار با اشاره به اسقاط حد یا قصاص صرفاً به بیان مجازات‌های پیش‌بینی شده در فصل دهم با توجه به سن فرد بالغ زیر ۱۸ سال اکتفا کرده است. اما منظور از "مجازات‌ها" کدام موارد است؟ واکنش‌های مذکور در ماده ۸۸ مورد نظر است یا ماده ۸۹؟ در این خصوص دو دیدگاه قابل ارائه است:

بنابر دیدگاه نخست با تأکید قانونگذار بر سن مذکور در ماده ۹۱، بر حسب این که مرتکب جرم شرعی که حد یا قصاص از وی ساقط شده، در چه سنی باشد، یکی از انواع پاسخ‌های سه‌گانه فوق اعمال می‌شود. افراد ۹ تا ۱۲ ساله مشمول پاسخ‌های بندهای الف تا پ ماده ۸۸، افراد ۱۲ تا ۱۵ سال، مشمول پاسخ‌های بندهای ت و ث این ماده و افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله مشمول پاسخ‌های کیفری موضوع ماده ۸۹ قرار می‌گیرند. اما این دیدگاه مخدوش است، زیرا در

^{۶۸} - ماده ۸۹: «الف) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است؛ ب) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است...»

^{۶۹} - برای مطالعه بیشتر ر.ک: غلامی، پیشین، ۹۵.

ماده ۹۱ به صراحت از تعبیر «مجازات‌ها» استفاده کرده است. در حالی که در ماده ۸۸ تدابیر تحت عنوان تصمیمات مورد تأکید قانون قرار گرفته است نه مجازات‌ها.

از این رو، دیدگاه دوم شکل می‌گیرد مبنی بر آنکه ارجاع قانون به مجازات در ماده ۹۱ تنها شامل پاسخ‌های کیفری ماده ۸۹ می‌شود. اما این دیدگاه هم خالی از ایراد نیست. زیرا در ماده ۹۱ تصریح شده که مرتکب بر اساس «سن» به یکی از مجازات‌های این فصل محکوم می‌شود. در حالی که ماده ۸۹ تنها شامل گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال است. از سوی دیگر، در ماده ۸۹ مجازات‌ها بر اساس نوع جرم تعزیری تعیین شده است و اگر قاضی با برداشتن حد یا قصاص، مرتکب را به واکنش‌های کیفری موضوع ماده ۸۹ محکوم کند، کدام تعزیر را ملاک عمل قرار می‌دهد. در اینجا است که قاضی با ابزارهای قضایی در دسترس، عدالت مورد منظر خود را محقق می‌سازد.

با این حال، رویکرد قانونگذار مبنی بر امکان اعمال کیفر شرعی و ابهام در نوع کیفر تعزیری جایگزین کیفر شرعی باعث شده است. قضات همچنان مانند ق.م.ا. ۱۳۷۰ که هنوز ماده ۹۱ مقرر نشده بود، متعهد به تفکر سخت‌گیرانه در برخورد با جرایم شرعی باشند. دلیل این مدعا، توجه ناکافی به پاسخ جایگزین در جرایم شرعی ارتكابی از سوی بالغان زیر ۱۸ سال تمام قمری در دادنامه‌های محکومیت در دسترس نگارندگان است. جدول (۵) مؤید این موضوع است.

مطابق این جدول، اعمال کیفر شرعی به عنوان رویکرد غالب قضایی در جرایم حدی و قصاصی پذیرش شده و در مواردی که ارفاق ماده ۹۱ ق.م.ا. احراز می‌گردد، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به جای پاسخ جایگزین صادر می‌شود. به عبارتی، رویه قضات بدین شکل است که در صورت تبدیل کیفرهای شرعی به کیفر تعزیری از صدور احکام

جایگزین	جدول (۵) نوع پاسخ کیفری در جرایم شرعی			
	درصد تجمعی	درصد اعتباری	فراوانی	پاسخ‌های کیفری افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام در جرم شرعی
بین خودداری	۵۷/۵۷	۵۷/۵۷	۱۹	مجازات شرعی
ی نمایند.	جایگزین‌های مجازات شرعی به استناد ارفاق موضوع ماده ۹۱ ق.م.ا.			
گویی -	۹۰/۹۰	۳۳/۳۳	۱۱	نگهداری در کانون اصلاح و تربیت
مرجع قضایی،	۹۶/۹۶	۶/۰۶	۲	جزای نقدی
تبدیل -	۱۰۰	۳/۰۳	۱	خدمات عمومی رایگان
کیفر شرعی	۱۰۰	۰	۰	تخفیف کیفر
عی به کیفر تعزیری	۱۰۰	۰	۰	نهادهای ارفاقی موضوع مواد ۵۷، ۵۸ و ۶۱ ق.م.ا.
ری (نگه	۱۰۰	۱۰۰	۳۳	مجموع

داری در کانون) را نوعی تخفیف محسوب نموده و مایل به تخفیف ثانوی مبنی بر تبدیل پاسخ کاهنده به جایگزین نیست. بر اساس این جدول، جز در موارد نادر، احکام مشمول پاسخ‌های جایگزین صادر نشده است. از جمله می‌توان به رأی شماره ۵۱۳۳۹۵۶/۱۴۰۰۳۰۳۹۰۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۷/۰۶ صادره از شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان اشاره کرد که با توجه به عدم احراز رشد عقلی، متهم ۱۷ ساله بابت شرب خمر به ارائه ۷۲۰ ساعت خدمات عمومی رایگان محکوم شد. همچنین رأی شماره ۷۴۰۹۳۳/۱۴۰۰۳۰۳۹۰۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ که بابت اتهام شرب خمر، متهم ۱۷ ساله به پرداخت جزای نقدی درجه شش (۱۰ میلیون ریال) محکوم شد.

اما این رویکرد با اصل "تناسب مجرم با مجازات" ناسازگار است. زیرا ممکن است اوصاف شخصیتی و وضعیت فردی - محیطی جوازی بر تخفیف ثانوی یعنی تبدیل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به پاسخ جایگزین حبس در "جرایم شرعی موجب تعزیر" باشد. می‌توان گفت عدم اسقاط حد یا قصاص در صورت محکومیت به مجازات شرعی به عنوان رویکرد غالب قضایی در جرایم حدی موجب تازیان، رجحان پاسخ کاهنده بر پاسخ جایگزین در صورت اعمال شروط ارفاقی موضوع ماده ۹۱ ق.م.ا و عدم پذیرش استفاده کمینه‌ای از پاسخ سالب آزادی (تخصیص یازده مورد از پرونده‌های محکومیت کیفری به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به عنوان جایگزین مجازات شرعی) خود بیانگر هم‌سویی با رویکرد سخت‌گیرانه، سیطره حبس‌گرایی و دوری‌گزینی از الگوی رفاه در پاسخ‌دهی به بیشتر جرایم حدپذیر یا قصاص‌پذیر بالغان پایین‌تر از ۱۸ سال است. به عبارت دیگر، الگوی مقبول مرجع قضایی در پاسخ به جرایم شرعی اطفال و نوجوانان متمایل به رویکرد عدالت بوده و به جهت کثرت‌گرایی تدابیر سرکوبگرانه، قرائت رفاه‌مدارانه در بهینه پاسخ‌دهی مورد غفلت واقع شده است.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین اقدام نظام عدالت کیفری افتراقی در تضمین حق بر بازپروری اطفال و نوجوانان بزه‌کار، به‌کارگیری الگوی رفاه در پاسخ‌گذاری جرایم اطفال و نوجوانان است. این الگو در پرتو عدالت کیفری افتراقی و متأثر از رهیافت‌های جرسناختی و راهبردهای حقوق بشرمدار، بهسازی وضعیت فردی و محیطی و بازگشت‌پذیری سالم به زندگی اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. محوریت در این الگو، پیشگیری از تکرار بزه، اتخاذ پاسخ‌های بازپرورانه آموزشی، تربیتی و اصلاحی و توجه به مشکلات و عوامل زمینه‌ای بزه‌ها است. در عرصه داخلی، پذیرش ویژگی‌هایی از الگوی رفاه در پاسخ‌گذاری را می‌توان در شماری از مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (فصل دهم کتاب کلیات) ملاحظه نمود. فقدان شمول محکومیت‌های تبعی، پیش‌بینی پاسخ‌های نوبافته سالب آزادی و امکان عدم اعمال کیفر شرعی در صورت احراز شروط ارفاقی ماده ۹۱ ق.م.ا در راستای اصل رویکرد کمینه‌ای به پاسخ‌های کیفری است.

از سوی دیگر با توجه به تأکید این الگو بر پذیرش نگاه تقلیل‌گرا به پاسخ سالب آزادی، روی‌آوری به رویکرد تدریج‌گونه در پاسخ‌گذاری جرایم تعزیری و تعلیق‌پذیری مجازات‌ها در تمامی جرایم تعزیری نوجوانان نشانگر حرکت عمومی نظام عدالت کیفری ایران به سوی اتخاذ سیاست‌های رفاه‌مدارانه است. شناسایی و پیاده‌سازی مکانیزم‌های دوگانه‌ی حقوقی - بالینی در پاسخ‌گذاری رفاه‌مدار یکی از موضوعات حائز اهمیت در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان است. توجه به بعد حقوقی الگوی رفاه، مستلزم تضمین حق بر فردی‌سازی پاسخ‌ها به عنوان رکن اصلی است. با وجود این، پاسخ‌گذاران با تخدیش حق بر فردی‌سازی پاسخ‌ها از طرق گوناگون قادر به التزام به الگوی رفاه در کیفرگذاری جرایم این افراد نبوده‌اند.

پذیرش اصل فردی‌سازی و تعیین پاسخ متناسب با شخصیت مستلزم اصالت‌زدایی از شاخص‌های قانونی نظیر شدت و ماهیت جرم و توجه به تنوع‌مندی پاسخ‌ها است. از سوی دیگر رعایت این اصل مستلزم آن است که "پاسخ‌های جایگزین حبس" به‌عنوان ستون فقرات فردی‌سازی در قانون و رویه قضایی محوریت داشته و "رویکرد کمینه‌ای به پاسخ سالب آزادی" پذیرفته شود. عدول از ابعاد فردی‌سازی مذکور به انحاء گوناگون در قانون نمود یافته است. اصالت‌بخشی به شاخص‌های غیر بالینی، تضعیف حق بر تنوع‌مندی پاسخ‌ها، دوری‌گزینی از پاسخ‌های جایگزین نوین، عدم پذیرش رویکرد کمینه‌ای به پاسخ کاهنده حبس‌زا و بی‌توجهی به رویکرد حداکثری به پاسخ جایگزین، عدم التزام به سیاست فردی‌سازی الگوی رفاه را در پاسخ‌گذاری جرایم اطفال و نوجوانان به همراه داشته

است. همین امر باعث شده به موازات عدم پذیرش الگوی رفاه، نوعی الگوی جان‌شین رفاه در نظام پاسخ‌گذاری برای اطفال و نوجوانان بزهکار به اعتبار ماهیت جرم شکل گیرد. بدین معنا که در جرایم شرعی نشانه‌های الگوی عدالت و تفکر سخت‌گیرانه و در جرایم تعزیری الگوی جایگزینی مورد توجه بوده است. دادرسان اطفال و نوجوانان نیز با توجه به این دوگانگی پاسخ‌گذاری، در عمل تمایل چندانی به ابعاد درمانی و اصلاحی پاسخ‌ها نداشته و در مسیر رفاه‌زدایی کیفری قدم نهاده‌اند. ضرورت بازپروری اطفال بزهکار به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه در میان اطفال، اقتضا می‌نماید نظام قانونگذاری با توسل به شاخص‌های بالینی و فرابالینی در مرحله پاسخ‌گذاری، مکانیزم حقوقی الگوی رفاه و در رأس آن، فردی‌سازی پاسخ‌ها را که در اسناد بین‌المللی به عنوان رویکرد غالب پاسخ‌گذاری شناخته شده است به رسمیت بشناسد. چه نظام عدالت کیفری افتراقی که هدف خود را بر بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار معطوف کرده، ناگزیر از توجه به فردی‌سازی پاسخ‌ها است. در حقیقت، هدف‌گذاری متناسب با ماهیت بزهکاری اطفال و نوجوانان، مستلزم پذیرش الگوی رفاه در عرصه پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی است و بستراسلی پذیرش این رویکرد در قلمرو قانونگذاری، تضمین حق بر فردی‌سازی پاسخ‌ها در تعیین واکنش اجتماعی است. در همین راستا، به منظور التزام به سیاست فردی‌سازی الگوی رفاه می‌توان پیشنهاداتی ارائه نمود:

۱- تعیین کیفر بر اساس وضعیت فردی و محیطی بزهکار جایگزین پاسخ‌گذاری بر اساس شدت و ماهیت جرم گردد. لازمه تحقق این رویکرد، تعمیم ابزارهای تعزیری قضایی به جرایم اطفال و نوجوانان فارغ از نوع یا درجه جرم است.

۲- التزام قضایی به شاخص‌های فراقانونی و بالینی نظیر پرونده شخصیت جایگزین شاخص‌های قانونی شدت و ماهیت جرم به عنوان معیار غالب کیفرگذاری شود. توجه به وضعیت روانی و اجتماعی بزهکار باعث همسان‌سازی پاسخ کیفری با نیازهای روانی و اجتماعی بزهکار می‌شود. شاخص‌های مذکور در پرونده شناسایی شخصیت (مصرح در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ ق.آ.د.ک) انعکاس یافته است. توجه به اوصاف شخصیتی و بهره‌گیری از تخصص‌های علمی در ابعاد روانشناختی و جامعه‌شناختی مستلزم توسعه گستره الزام تشکیل این پرونده در تمامی جرایم فارغ از ماهیت و شدت بزه است.

۳- تضمین حق بر فردی‌سازی مستلزم اصالت‌بخشی به پاسخ‌های جایگزین حبس و پذیرش رویکرد کمینه‌ای به پاسخ‌سالب آزادی است. پیش‌بینی پاسخ‌های جایگزین نظیر جزای نقدی در بندهای (الف) و (ب) ماده ۸۹ و نیز اشاره به پاسخ‌های جایگزین حبس‌زدا در صورت ارتکاب تعزیرات درجه یک تا پنج همانند حدود و قصاص از مصادیق التزام به رویکرد حداکثری به جایگزین‌های حبس و پذیرش رویکرد تساهلی بیشینه‌گرا است.

۴- التزام به رویکرد جایگزینی نوین و توجه به ماهیت درمانی و نظارتی دستورها و تدابیر قضایی به عنوان یک اصل اولیه در مرحله پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی پذیرفته شود. برای مثال، در صورت گزینش تدابیر موضوع تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا، تعویق محکومیت یا تعلیق مجازات به ابعاد درمانی و نظارتی کیفرها توجه شده و یکی از شروط اعمال این پاسخ‌ها الحاق وصف مراقبتی و درمانی به آنها باشد.

منابع و مأخذ

- آشوری، محمد، عدالت کیفری (۲)، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۲.
- ایروانیان، امیر، «لایحه رسیدگی به جرایم اطفال ونوجوانان در پرتو ملاک‌های سیاستگذاری جنایی»، همایش مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکترحسن دادبان، ۱۳۹۰.
- بنی‌هاشمی کهنکی و همکاران، «نگرش اخلاقی اصلاح‌مدار مجازات سالب‌آزادی اطفال ونوجوانان در حقوق ایران و انگلستان»، پژوهش‌های اخلاقی ۱۰(۲) (۱۳۹۸): ۴۳-۶۰.

- پرجمی، داود، درخشان، فاطمه، «مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه‌شناسی، ۴۰(۱۳۹۷): ۶۸-۴۹.
- پورقهرمانی، بابک، نگهدار، ایرج، «رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، مطالعات حقوق کیفری و جرم-شناسی، ۴۸(۲)(۱۳۹۷): ۲۲۷-۲۵۵.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران(حال و آینده)»، مجله حقوقی دادگستری ۶۴(۱۳۸۷): ۶۷-۸۸.
- خواجه‌نوری، یاسمن، «سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار؛ جلوه‌ها، چالش‌ها و آثار»، مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۴)(۱۳۸۶): ۱۱۳-۱۳۴.
- دانش، تاج‌زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ چهارم، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، چاپ دوم، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم، ریاحی، جواد، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، حقوق اسلامی ۹(۳۳)(۱۳۹۱): ۱۹۱-۲۱۶.
- عباچی، مریم و محمدجعفرساعد، ادبیات ارزیابی پیشگیری از جرم، کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم تهران، (تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی، (۱۳۸۴)).
- غلامی، حسین، کیفرشناسی، چاپ سوم، تهران: میزان، ۱۳۹۹.
- «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال»، آموزه‌های حقوق کیفری ۱۰(۶)(۱۳۹۲): ۸۹-۱۰۶.
- گارلند، دیوید، «پاسخ‌های انطباقی مدرنیسم کیفری»، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، ترجمه محمد فرجی-ها، چاپ پنجم، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
- منصورآبادی، عباس و همکاران، «الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در آمریکا و ایران»، پژوهش حقوق کیفری ۵(۱۸)(۱۳۹۶): ۱۴۳-۱۶۴.
- مؤمنی‌راد، اکبر و همکاران، «تحلیل محتوای کیفی درآیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، اندازه‌گیری تربیتی، ۱۴(۴)(۱۳۹۲): ۱۸۷-۲۲۲.
- مهدوی‌پور، اعظم و همکاران، «بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان»، پژوهش حقوق کیفری ۶(۲۳)(۱۳۹۷): ۲۸۱-۳۱۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- نجفی توانا، علی، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»، خانواده پژوهی ۵(۱۸)(۱۳۸۸): ۲۹۳-۳۱۹.

- نیازپور، امیرحسین، حقوقی‌سازی یافته‌های جرم‌شناسانه در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحقیقات حقوقی ۷۲(۱۳۹۴): ۲۵۹-۲۳۳.

- یوسفی، حسن، جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، «فلسفه ارباب در بوتۀ نقد تجربی: ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس و جزای نقدی در شهر مشهد»، دیدگاه‌های حقوقی قضایی ۲۶(۹۳)(۱۴۰۰): ۴۵-۲۱.

-Austin.J, Dedel J.K, Weitzer.R, Alternative to the Secure Detention and Confinement of Juvenile Offenders, Juvenile Justice Practices Series, (2005).

-Casey, Pamela M., David B. Rottman, and Chantal G. Bromage, Problem-Solving Justice Toolkit, Williamsburg, VA: National Center for State Courts, (2007).

-Cipriani, Don, Children's Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility: A Global Perspective, England: Ashgate Publishing Limited, (2009).

-Dunkel, F, Juvenile Justice Systems in Europe—Reform developments between Justice, welfare and 'new punitiveness, Criminological studies.1 (1) (2014):31-76.

- Green, D. Comparing Penal Cultures: Child-on-Child Homicide in England and Norway, in: Crime, punishment, and politic in comparative perspective, the university of Chicago press, (2007):591-643.

- Lowenkamp Christopher T, Intensive supervision programs: Does program Philosophy and the principles of effective intervention matter? Journal of Criminal Justice, 38(4) (2007):368-375.

- Mears, D. P.; Cochran, J. C. Stults, B. J.; Greenman, S. J.; Bhati, A. S. and Greenwald, M. A. The "true" juvenile offender: Age effects and juvenile court sanctioning, Criminology, 52(2) (2014):169-194.

-Sieh, Edward w, Community Corrections and Human Dignity; First edition, Canada: Jones and Bartlett Publishers, (2006).

- Seymour, Mairead, Alternatives to custody; the community Foundation for Ireland in association with Irish penal reform Trust, Ireland, (2005).

- Tonry, Michael, Proportionality, Parsimony and interchangeability of Punishment, in: Penal theory and practice, Tradition and Innovation in Criminal Justice, (2013).59-84.

- Ward, Tony & Maruna, Shadd, Rehabilitation, beyond the risk paradigm, Routledge Taylor & Francis Group, London and New York, (2007).